secrets of happiness in qur'an & nahj_ol_balaghah



تالیف دکتر محمد بیستونی

راز خوشبختی

از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

بسم الله الرحمن الرحيم

راز خوشبختی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راز خوشبختی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

مشخصات کتاب

سرشناسه : بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور : راز خوشبختی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه=Secrets of happiness in Qur'an and Nahj - ol- balaghah/ تالیف محمد بیستونی.

مشخصات نشر : [قم]: بیان جوان ، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۲۶ص.؛ ۱۴/۵×۱۰/۵ س م.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۳۹۹-۴۵-X

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : خوشبختی -- جنبه های قرآنی

موضوع : خوشبختی -- احادیث خوشبختی -- احادیث.

موضوع : خوشبختی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : BP۱۰۴ /خ۹۷ ب۹ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۲۸۳۸۸

ص:۱

اشاره

اَلْاِهْداء

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا

وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِ

الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الْاَئِمَّهِ التِّسْعَهِ

الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ سِیَّما بَقِیَّهِ اللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ

الْاَنْبیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَهِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ

الْاَوْلِیاءِوَیامُذِلَ الْاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ

مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ

فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ

اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

(۵)

متن تأییدیه حضرت آیت اللّه خزعلی مفسّر و حافظ کل قرآن کریم

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسائل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشاند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی

ص:۶

این کار را بعهده گرفته و آثار ارزشـمند مفسـران را با زبانی ساده و بیانی شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشـتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسـسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشـان خواسـتارم. به امیـد آنکه در مراحـل غیرتفسـیری هم از معارف اسـلامی درهای وسـیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(۷)

ص:۷

مقدمه چاپ دوّم

درباره « خوشبختی » اظهار نظرهای فراوانی صورت گرفته است اما هیچیک از این نظرات مطلق و از همه جهات قابل استناد و استفاده نیست زیرا تعریف ها و شاخصه هایی که عموما مطرح می شود زائیده افکار ، تجربیات و مطالعات متفکرین و دانشمندان و روانشناسانی است که علم و تجربه آن ها محدود به علوم طبیعی و مادی (و متکی به معیارهای شخصی و سلیقه ای) است.

در کتابی که ما و شما هم اکنون میهمان آن هستیم موضوع « خوشبختی » و موفقیت و راه های رسیدن به آن و دلایل « بدبختی » و راه های نجات از آن با استمداد از « آیات نورانی قرآن کریم و روایات » مورد بررسی قرار گرفته است لذا از آن جا که انسان مخلوق خداوند تبارک و تعالی است و خالق یکتا تمامی ذرات وجود انسان و جهان را آفریده و دارای علم و شناخت مطلق می باشد ، می توان ادعا کرد که

این بررسی و استفاده از آیات نازل شده از سوی حق ، جامع ترین و واقعی ترین مفاهیم و ارزیابی ها را در موضوع « خوشبختی » به همراه خواهد داشت .

علاوه بر این مفهوم « خوشبختی » زمانی می تواند دارای ارج و قیمت باشد که مصادیق و نمونه های عینی آن در طول قرون و اعصار به سادگی قابل مشاهده باشند .

انسان های برجسته ای که با الهام از قرآن کریم و عمل به محتوای انسان ساز آن ، تجسم خوشبختی واقعی و انسان موفق بوده اند فراوانندکه یکی از شاخص ترین آن ها پیامبر نور و آزادی و رحمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشد که قرآن کریم ایشان را به عنوان اسوه و الگوی همه کسانی که می خواهند همای سعادت و خوشبختی را در دنیا و آخرت در آغوش گیرند مطرح می فرماید و در آیه

۲۱ سوره احزاب در همین رابطه می گوید: «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ اُسْوَهٌ حَسَنَهٌ : راه و روش زندگی رسول اکرم برای شما سرمشق و الگو است » .

مقدمه (۹)

در این بررسی قرآنی پیرامون « راز خوشبختی در آئینه وحی » سعی شده است به دلیل فرصت محدود خوانندگان گرامی خصوصا جوانان عزیز اصل « مختصرگویی » رعایت گردد. دکتر محمد بیستونی تهران، ۲۷ رجب ۱۴۲۶ هجری قمری مبعث گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

۱۱ شهریور ۱۳۸۴

(۱۰) مقدمه

ص:۱۰

تعریف خوشبختی و بدبختی از دیدگاه قرآن کریم

خوشبختی و بـدبختی در لسـان قرآن کریم تحت عنوان سـعادت و شـقاوت ، مطرح شـده است که « سـعادت » به معنای فراهم بودن اسباب نعمت و « شقاوت » به معنای فراهم بودن اسباب گرفتاری و مجازات و بلاست .

از جمله در سوره هود آیه شریفه ۱۰۵ می فرماید :

«یَوْمَ یَأْتِ لاتَکَلَّمُ نَفْسٌ اِلاّ بِأِذْنِهِفَمِنْهُمْ شَـقِیٌّ وَ سَـعیدٌ: آن گاه که روز قیامت فرا رسـد هیـچ کس جز به اجازه خـدا سـخن نمی گوید . گروهی از مردم در آن روز بدبختند و گروهی خوشبخت» .

و در آیه بعد می فرماید :

«فَاَمَّا الَّذینَ شَـقُوا فَفِی النّارِ لَهُمْ فیها زَفیرٌ وَ شَـهیقٌ: اما آن ها که شـقاوتمند شدند در آتش اند و برای آن ها زفیر و شـهیق (ناله های طولانی دم و بازدم) است» .

راز خوشبختی (۱۱)

ص:۱۱

و در آیه بعد می فرماید :

«خلِدینَ فیها مادامَتِ السَّموات وَالْاَرْضُ اِلّا ما شاءَ رَبُّکَ اِنَّ رَبَّکَ فَعّالٌ لِما یُرید: جاودانه در آن خواهند ماند ، تا آسمان ها و زمین برپاست ، مگر آن چه پروردگارت بخواهد که پروردگارت هرچه را اراده کند انجام می دهد».

و در آیه بعد می فرماید :

«وَ اَمَّا الَّذینَ سُعِدُوا فَفِی الْجَنَّهِ خلِدینَ فیها مادامَتِ السَّموات وَ الاَرْضُ اِلاّ ما شاءَ رَبُّکَ عَطاءً غَیْرَ مَجْذُوذٍ : اما آن ها که سعادتمند شدند در بهشت جاودانه خواهند بود ، مادام که آسمان ها و زمین برپاست مگرآن چه پروردگارت بخواهد، بخششی است قطع نشدنی» .

اسباب سعادت و شقاوت

سعادت که گم شده همه انسان ها است و هر کس آن را در چیزی می جوید و در جایی می طلبد به طور خلاصه عبارتست: از فراهم بودن اسباب تکامل برای یک فرد یا

یک جامعه و نقطه مقابل آن شقاوت و بدبختی است که همه از آن متنفرند و آن عبارت از : نامساعد بودن شرایط پیروزی و پیشرفت و تکامل است .

بنابراین هرکس از نظر شرایط روحی ، جسمی ، خانوادگی ، محیط و فرهنگ ، اسباب بیشتری برای رسیدن به هدف های والا در اختیار داشته باشد به سعادت نزدیک تر یا به تعبیر دیگر سعادتمندتر است .

و هر کس گرفتار کمبودها و نارسایی ها ، از جهات بالا بوده باشد شقاوتمند و بی بهره از سعادت خواهد بود .

ولی باید توجه داشت که پایه اصلی سعادت و شقاوت ، اراده و خواست خود انسان است ، او است که می تواند وسایل لازم را برای ساختن خویش و حتی جامعه اش فراهم سازد و او است که می تواند با عوامل بدبختی و شقاوت به مبارزه برخیزد و یا تسلیم آن شود .

راز خوشبختی (۱۳)

در منطق انبیاء سعادت و شقاوت چیزی نیست که در درون ذات انسان باشد و حتی نارسایی های محیط و خانوادگی و وراثت در برابر تصمیم و اراده خود انسان ، قابل تغییر و دگرگونی است ، مگر این که ما اصل اراده و آزادی انسان را انکار کنیم و او را محکوم شرایط جبری بدانیم و سعادت و شقاوتش را ذاتی و یا مولود جبری محیط و مانند آن بدانیم که این نظر به طور قطع در مکتب انبیاء و همچنین مکتب عقل محکوم است .

جالب این که در روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اهلبیت علیهم السلام نقل شده ، انگشت روی مسائل مختلفی به عنوان اسباب سعادت یا اسباب شقاوت گذارده شده که مطالعه آن ها انسان را به طرز تفکر اسلامی در این مسأله مهم ، آشنا می سازد و به جای این که برای رسیدن به سعادت و فرار از شقاوت به دنبال مسائل خرافی و پندارها و سنت های غلطی که در بسیاری از اجتماعات وجود دارد و مسائل بی اساسی را اسباب سعادت و

شقاوت می پندارند، به دنبال واقعیات عینی و اسباب حقیقی سعادت خواهد رفت.

به عنوان نمونه به چند حدیث پرمعنی زیر توجه فرمایید :

(۱۴) راز خوشبختی

۱ امام صادق از جدش امیرمؤمنان علی چنین نقل می کند : « حَقیقَةُ السَّعادَةِ اَنْ یُخْتَمَ لِلرَّجُلِ عَمَلُهُ بِالسَّعادَةِ وَ حَقیقَةُ الشَّقاوَةِ اَنْ یُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالشَّقاوَةِ: حقیقت سعادت این است که آخرین مرحله زندگی انسان با عمل سعادتمندانه ای پایان پذیرد و حقیقت شقاوت این است که آخرین مرحله عمر با عمل شقاوتمندانه ای خاتمه یابد ».(۱)

این روایت با صراحت می گوید مرحله نهایی عمر انسان و اعمال او در این مرحله بیانگر سعادت و شقاوت او است و به این ترتیب سعادت و شقاوت ذاتی را به کلی

ص:۱۵

۱- « نور الثقلین » جلد ۲ ، صفحه ۳۹۸ .

نفی می کند و انسان را در گرو اعمالش می گذارد و راه بازگشت را در تمام مراحل تا پایان عمر برای او باز می داند .

راز خوشبختی (۱۵)

۲ در حدیث دیگری از علی می خوانیم :

« اَلسَّعیدُ مَنْ وُعِظَ بِغَیْرِه وَ الشَّقِیُّ مَنِ انْخَدَعَ لِهَواهُ وَ غُرُورِه : سعادتمند کسی است که از سرنوشت دیگران پند گیرد و شقاوتمند کسی است که فریب هوای نفس و غرورش را بخورد » .(۱)

این سخن امام علی نیز تأکید مجددی است بر اختیاری بودن سعادت و شقاوت و بعضی از اسباب مهم این دو را بیان می کند .

۳ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید :

۱- « نهج البلاغه » صبحی صالح خطبه ۸۶ .

(۱۶) راز خوشبختی

« اَرْبَعٌ مِنْ اَسْبابِ السَّعادَهِ وَ اَرْبَعٌ مِنَ الشَّقاوَهِ فَالْاَرْبَعُ الَّتی مِنَ السَّعادَهِ الْمَرْئَهُ الصّالِحَهُ وَ الْمَسْکَنُ الْواسِعُ وَ الْجارُ الصّالِحُ وَ الْمَرْکَبُ البَهِیّ ءُ وَ الْاَرْبَعُ الَّتی مِنَ الشَّقاوَهِ الْجارُ السُّوءِ وَ الْمَرْئَهُ السُّوءِ وَ الْمَسْکَنُ الضّیقِ وَ الْمَرْکَبُ السُّوءِ : چهار چیز است که از اسباب سعادت و چهار چیز است از اسباب شقاوت است : اما آن چهار چیز که از اسباب سعادت است : همسر صالح ، خانه وسیع ، همسایه شایسته و مرکب خوب است . و چهار چیز که از اسباب شقاوت است : همسایه بد و همسر بد و خانه تنگ و مرکب بد است » .(۱)

با توجه به این که این چهار موضوع در زندگی مادی و معنوی هر کس نقش مؤثری دارد و از عوامل پیروزی یا شکست می تواند باشد ، وسعت مفهوم سعادت

۱- « مکارم اخلاق » ، صفحه ۶۵ .

و شقاوت در منطق اسلام روشن می شود .

راز خوشبختی (۱۷)

یک همسـر خوب انسان را به انواع نیکی ها تشویق می کنـد ، یک خانه وسـیع روح و فکر انسان را آرامش می بخشد و آماده فعالیت بیشتر می نمایـد ، همسایه بد بلاآفرین و همسایه خوب کمک مؤثری به آسایش و حتی پیشـرفت هدف های انسان می کند ، یک مرکب بدرد خور برای رسـیدن به کارها و وظایف اجتماعی عامل مؤثری است ، در حالی که مرکب قراضه و زوار دررفته یک عامل عقب ماندگی است ، چراکه کمتر می تواند صاحبش را به مقصد برساند .

۴ و نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله این حدیث نقل شده است :

« مِنْ عَلاماتِ الشَّقاءِ جُمُودُ الْعَیْنَیْنِ وَ قَسْوَهُ الْقَلْبِ وَ شِدَّهُ الْحِرْصِ فی طَلَبِ الرِّزْقِ وَ الْاِصْرارِ عَلَی الذَّنْبِ : از نشانه های شـقاوت آن است که هرگز قطره اشکی از چشم انسان نریزد و نیز از علامات آن سنگ دلی و حرص شدید در تحصیل

روزی و اصرار بر گناه است » (۱)

(۱۸) راز خوشبختی

این امور چهارگانه که در حدیث فوق آمده اموری است اختیاری که از اعمال و اخلاق اکتسابی خود انسان سرچشمه می گیرد و به این ترتیب دور کردن این اسباب شقاوت در اختیار خود انسان ها است .

اگر اسبابی را که برای سعادت و شقاوت در احادیث بالا ذکر شده با توجه بر عینیت همه آن ها و نقش مؤثرشان در زندگی بشر با اسباب و نشانه های خرافی که حتی در عصر ما ، عصر اتم و فضا گروه زیادی به آن پایبندند مقایسه کنیم به این واقعیت می رسیم که تعلیمات اسلام تا چه حد منطقی و حساب شده است .

هنوز بسیارند کسانی که نعل اسب را سبب خوشبختی ، روز سیزده را سبب

۱- « نور الثقلین » ، جلد ۲ ، صفحه ۳۹۸ .

بدبختی ، پریدن از روی آتش را در بعضـی از شب های سال سـبب خوشـبختی و آواز خواندن مرغ را سبب بدبختی ، پاشیدن آب را پشت سـر مسافر سـبب خوشـبختی و رد شـدن زیر نردبان را سـبب بدبختی و حتی آویزان کردن خرمهره را به خود یا به وسیله نقلیه سبب خوشبختی و عطسه را نشانه بدبختی در انجام کار مورد نظر می دانند و امثال این خرافات که در شرق و غرب در میان اقوام و ملل مختلف فراوان است .

و چه بسـیار انسان هایی که بر اثر گرفتار شدن به این خرافات از فعالیت در زندگی بازمانده اند و گرفتار مصـیبت های فراوانی شده اند .

اسـلام بر تمام این پندارهای خرافی قلم سرخ کشیده و سعادت و شقاوت انسان را در فعالیت های مثبت و منفی و نقاط قوت و ضعـف اخلاقی و برنـامه هـای عملی و طرز تفکر و عقیـده هر کس می دانـد که نمـونه هـایی از آن در چهـار حـدیث فوق به روشنی بیان

شده است .(۱)

(۲۰) راز خوشبختی

بررسی آیات مربوط به راز خوشبختی

همـان گـونه که ارتکـاب انـواع گناهـان و ظلم و تجـاوز به حقوق دیگران بـاعث بروز گرفتـاری هـای مختلف خصوصـا فقر و فلاکت برای انسان ها است ، متقابلاً پرهیز از گناهان و رعایت حقوق دیگران عامل اصـلی توسـعه رزق و روزی و جاری شدن سرچشمه های خیر و برکت برای انسان است .

قرآن کریم در آیه ۹۶ سوره اعراف در این خصوص می فرماید :

۱ « تفسیر نمونه » ، جلد ۹ ، صفحه ۲۴۹ .

راز خوشبختی (۲۱)

« وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُری امَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَالْاَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَاَخَذْناهُمْ بِماکانُوا یَکْسِبُونَ : و چنان چه مردم شهر و دیار ، ایمان آورده و

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۹ ، صفحه ۲۴۹ .

پرهیزکـار می شدنـد همانـا درهای برکات آسـمان و زمین را به روی آن ها می گشودیم ولیکن چون "آیات و پیامبران ما را" تکذیب کردند ما هم آن ها را به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم » .

معنا و مفهوم واژه « برکت »

« بَرَکـات » جمـع « بَرَکَت » است ،این کلمه در اصـل به معنی ثبـات و اسـتقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبـتی که پایـدار بماند اطلاق می گردد ، در برابر موجودات بی برکت که زود فانی و نابود و بی اثر می شوند .

قابل توجه این که ایمان و تقوا نه تنها سـبب نزول برکات الهی می شود ، بلکه باعث می گردد که آن چه در اختیار انسان قرار گرفته در مصـارف مورد نیـاز به کـار گرفته شود ، فی المثل امروز ملاحظه می کنیم قسـمت بسـیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسـیر « مسابقه تسلیحاتی » و ساختن سلاح های نابود کننده صرف می گردد ، این ها مواهبی هستند فاقد هر گونه برکت ، به زودی از میان می روند و نه تنها

نتیجه ای نخواهند داشت ، ویرانی هم ببار می آورند، ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند این

مواهب الهی به شکل دیگری در میان آن ها درمی آید و طبعا آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهند بود (۱)

(۲۲) راز خوشبختی

پنج نعمت مادی ره آورد استغفار واقعی

همچنین در آیات ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ سوره نوح از قول آن پیامبر الهی می فرماید :

« فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهُ كانَ غَفّارا : به آن ها گفتم : از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است » .

« يُرْسِلِ السَّمآءَ عَلَيْكُمْ مِدْرارا : تا باران های پربرکت آسمان را پی درپی بر شما فرستد » .

۱- « تفسیر جوان » ، جلد ۲۵ صفحه ۵۱ تا ۵۷ .

راز خوشبختی (۲۳)

« وَ یُمْـدِدْکُمْ بِـاَمْوالٍ وَ بَنینَ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ جَنّاتٍ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ اَنْهارا : و شـما را بااموال و فرزنـدان فراوان امـداد کنـد و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد » .

می گوید : « آسـمان را بر شـما می فرسـتد » یعنی آن قدر باران می بارد که گویی آسـمان دارد نازل می شود ، اما چون باران رحمت است نه ویرانی می آورد و نه آسـیبی می رسانـد، بلکه در همه جا مایه خرّمی و سـرسبزی و طراوت است . خلاصه هم باران رحمت معنوی و هم باران پربرکت مادی او شمارا فرامی گیرد.

به این ترتیب یـک نعمت بزرگ معنوی و پنـج نعمت بزرگ مادی را به آن ها وعـده داده ؛ نعمت بزرگ معنوی ، بخشودگی گناهـان و پـاک شـدن از آلودگی کفر و عصـیان است، امـا نعمت هـای مـادی، ریزش باران های مفیـد و به موقع و پربرکت ، فزونی اموال ، فزونی فرزندان "سرمایه های انسانی" ، باغ های پربرکت و نهرهای آب جاری .

آری ایمان و تقوا طبق گواهی قرآن مجید هم موجب آبادی دنیا و هم آخرت است .

(۲۴) راز خوشبختی

ص:۲۴

در بعضـی از روایـات آمـده است که وقـتی این قـوم لجـوج از قبـول دعـوت نوح سـرباز زدنـد، خشـکسالی و قحطی آن هـا را فراگرفت و بسـیاری از اموال و فرزندانشان هلاک شدند ، زنان عقیم گشتند و کمتر بچه می آوردند، نوح به آن ها گفت: اگر ایمان بیاوریـد، همه این مصائب و بلاها از شـما دفع خواهـد شـد ، ولی آن ها اعتنایی به او نکردنـد و همچنان سرسـختی نشان دادند تا عذاب نهایی فرا رسید و همه را درو کرد .(۱)

نسخه امام حسن برای رفع خشکسالی ، فقر و نازایی

جـالب ایـن کـه : کسـی نزد امـام حسـن آمـد و از قحطی وخشـکسالی شـکوه کرد . او ، آن مرد را به آمرزش خـواهی و تـوبه فراخواند .

مرد دیگری آمد و از فقر و بینوایی نالید، او را نیز به توبه و آمرزش خواهی و دعا

۱- تفسیر جوان » ، جلد ۲۵ صفحه ۵۱ و ۵۲ .

سفارش کرد.

راز خوشبختی (۲۵)

مرد سومی از راه رسید و از نازایی همسر و نداشتن فرزند شکوه کرد و دعا خواست تا خدا به او پسری روزی سازد، که به او نیز همین نسخه را داد. یکی از اصحاب به حضرت گفت : چگونه برای دردها و خواسته های رنگارنگ یک نسخه می نگارد؟ حضرت پاسخ داد: من از قرآن آموخته ام که درمان هر سه درد و راه نجات از هر سه مشکلی که عنوان گردید، توبؤ راستین و آمرزش خواهی واقعی و بازگشت خالصانه به سوی خدا و مقررات اوست، و آن گاه به تلاوت آیات مورد بحث پرداخت.

و نیز آورده اند که: مردی به حضور امام جواد شرفیاب گردید و گفت: سرورم! من ثروت بسیاری دارم، امّا از نعمت فرزند محروم هستم، چه کنم؟

« فَقالَ جُعِلْتُ فِداکَ اِنّی کَثیرُ الْمالِ وَ لَیْسَ یُولَدُ لی وَلَدٌ فَهَلْ مِنْ حیلَهٍ؟ » .

آن حضرت فرمود: چاره کار این است که به مدت یک سال، هر شب از خدای

ص:۲۶

خویش آمرزش بخواهی و خالصانه دعا کنی؛ و اگر شبی فراموش کردی در روز آن، قضای آن را به جا آور که به خواسته ات خواهی رسید، چراکه خدا در قرآن می فرماید : اَسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ...(۱)

(۲)

(۲۶) راز خوشبختی

آن هاکه عادت دارند از این مسایل آسان بگذرند ، فورا یک نوع ارتباط و پیوند معنوی ناشناخته در میان این امور قائل می شوند و از هر گونه تحلیل بیشتر خود را راحت می کنند .

ولی اگر بیشتر دقت کنیم ، در میان این امور پیوندهای نزدیکی می یابیم ، که توجه به آن ها مسایل مادی و معنوی را در متن جامعه همچون تار و پود پارچه به هم

۱- سوره نوح، آیه ۱۰ و ۱۱ و ۱۲.

۲- « ترجمه مجمع البیان » از انتشارات مؤسسه فراهانی ، جلد ۲۹ ، صفحه ۲۶۷ و ۲۶۸ .

می آمیزد و یا همانند ریشه و ساقه، درخت را با گل و میوه آن ربط می دهد .

راز خوشبختی (۲۷)

کـدام جـامعه است که روح تعـاون و همکـاری را از دست دهـد و جنگ و نزاع و خونریزی را جانشـین آن سازد و زمین های خرّم و سرسبز و وضع اقتصادی مرفّهی داشته باشد .

کدام جامعه است که مردمش آلوده انواع هوس ها باشند و در عین حال نیرومند و پابرجا در مقابل دشمنان ایستادگی کنند .

با صـراحت بایـد گفت : هیچ مسأله اخلاقی نیست مگر این که اثر مفید و سازنده ای در زندگی مادی مردم دارد و هیچ اعتقاد و ایمان صحیحی پیدا نمی شود مگر این که در ساختن جامعه ای آباد و آزاد و مستقل و نیرومند سهم به سزایی دارد .

آن ها که مسایل اخلاقی و ایمان مذهبی و توحید را از مسایل مادی جدا می کنند، نه مسایل معنوی را درست شـناخته اند و نه مسایل مادی را .

(۲۸) راز خوشبختی

ص:۲۸

اگر دین به صورت یک سلسله تشریفات و آداب ظاهری خالی از محتوا در میان مردم باشد ، بدیهی است تأثیری در نظام مادی اجتماع نخواهد داشت ، اما آن گاه که اعتقادات معنوی و روحانی آن چنان در اعماق روح انسان نفوذ کند که آثارش در دست و پا و چشم و گوش و زبان و تمام ذرات وجودش ظاهر گردد ، آثار سازنده این اعتقادات در جامعه بر هیچ کس مخفی نخواهد ماند .(۱)

شرایط توبه و استغفار

شخصی درحضور امام علی بدون توجه لازم گفت : اَسْتَغْفِرُ اللّهَ . امام فرمود : « مادرت بر تو بگرید ، اَتَدْری مَا الْاِسْتِغْفارُ ؟ اَلْاِسْتِغْفارُ دَرَجَهُ الْعِلِّیِّنَ وَ هُوَ اسْمٌ واقِعٌ عَلی سِتَّهِ مَعانٍ : اَوَّلَهَا النَّدَمُ عَلی ما مَضی وَ الثّانِیَ الْعَزْمُ عَلی تَرْکِ

۱- « تفسیر جوان » ، جلد ۲۵ ، صفحه ۵۶ و ۵۷ .

الْعَوْدِ اِلَیْهِ اَبَدا وَ الثّالِثُ اَنْ تُؤَدّیَ اِلَی الْمَخْلُوقینَ حُقُوقَهُمْ حَتّی تَلْقَی اللّهَ اَمْلَسَ لَیْسَ عَلَیْکَ تَبِعَهٌ وَ الرّابِعُ اَنْ تَعْمِدَ اِلی کُلِّ فَریضَهٍ عَلَیْکَ ضَیَّعْتَها فَتُؤَدّیَ حَقَّها وَ الْخامِسُ اَنْ تَعْمِدَ اِلَی اللَّحْمِ الَّذی نَبَتَ عَلَی السُّحْتِ فَتُذیبَهُ بِالْاَحْزانِ ، حَتّی تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ یَنْشَأَ بَیْنَهُما لَحْمٌ جَدیدٌ وَ السّادِسُ اَنْ تُذیقَ الْجِسْمَ أَلَمَ الطّاعَهِ کَما اَذَقْتَهُ حَلاوَهَ الْمَعْصِیَهِ، فَعِنْدَ ذلِکَ تَقُولُ: "اَسْتَغْفِرُ اللّهَ ":

می دانی معنای استغفار چیست ؟ استغفار درجه والا مقامان است و دارای شش معنا است .

اول : پشیمانی از آن چه گذشت ،

دوم : تصمیم به عدم بازگشت ،

سوم : پرداختن حقوق مردم چنان که خدا را پاک دیدار کنی که چیزی بر عهده تو نباشد ،

چهارم : تمام واجب های ضایع ساخته را به جا آوری ،

پنجم : گوشتی که از حرام بر اندامت روییده ، با اندوه فراوان آب کنی ، چنان که پوست

(۳۰) راز خوشبختی

به استخوان چسبیده گوشت تازه بروید،

ششم : رنج طاعت را به تن بچشانی چنان که شیرینی گناه را به او چشانده بودی ، پس آن گاه بگویی، استغفرالله .(۱)

پرهیز از گناه رمز خروج از بن بست بدبختی ها

قرآن کریم در آیه ۲ سوره طلاق می فرماید : ... وَ مَنْ یَتَّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً : و هر کس از خدا پروا کند و از گناه و ستم و کارهای ناروا که از آن ها هشدار داده شده است ، دست نگاه دارد ، خدا برای او راه نجاتی قرار می دهد و از رنج و درماندگی دنیا و تیره بختی آخرت در امانش می دارد.

از پیامبر گرامی (ص) آورده اند که به هنگام تلاوت این آیه فرمود: مِنْ شُبَهاتِ

۱- «نهج البلاغه»،حکمت۴۱۷،صفحه۷۲۸.

الدُّنْیا، وَ مِنْ غَمَراتِ الْمَوْتِ، وَ شَدائِدِ یَوْمِ الْقِیامَهِ.(۱)

منظور این است که اگر کسی به راستی پروای خدارا پیشه سازد،خدا او را از شبهات زندگی دنیا و از گرفتاری ها و غمرات مرگ و از فشارها و سختی های روز رستاخیز نجات می دهد.

و نیز آورده اند که فرمود: مَنْ اَکْثَرَ الْاِسْتِغْفارَ جَعَلَ اللّهُ لَهُ مِنْ کُلِّ هَمٍّ فَرَجا وَ مِنْ کُلِّ ضیقٍ مَخْرَجا.(۲)

کسی که بسیار آمرزش بخواهد و روی توبه به بارگاه خدا آورد، خدای مهربان او را از هر غم و اندوهی نجات داده و از هر تنگنا و رنجی برایش گشایش پدید می آورد.

۱- تفسیر قرطبی ج ۸، ص ۱۶۰؛ نورالثقلین، ج ۵،ص ۳۵۷.

۲- تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۶۱.

و به بـاور پـاره ای منظور آیه این است که: و کسـی که همسـرش را براسـاس طلاق سـنّت، طلاق دهـد، خـدا برای او راهی در بازگشت و رجوع قرار خواهد داد .

نعمت غیرقابل پیش بینی دستاورد تقواست

در آیه بعد می افزاید: وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ : و او را از جایی که فکرش را هم نکرده است ، رزق و روزی می دهد .

به باور پاره ای این آیه در مورد فردی به نام «عَوْف اَشْـجَعِیّ» فرود آمـد، چرا که فرزند او به دست دشـمن اسـیر گردید و او به حضور پیـامبر آمـد و این خبر را با آن حضـرت در میان نهاد و از فقر و محرومیت شـکایت کرد؛ پیامبر گرامی صـلی الله علیه و آله فرمود: اِتَّقِ اللّهَ وَ اصْبِرْ وَ اَکْثِرْ مِنْ قَوْلِ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ.(۱)

۱- تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۶۰.

هان ای عوف! از خدا پروا کن و شکیبایی پیشه ساز و هر چه بیشتر به او پناه بر و به او اعتماد کن و بگو: هیچ نیرو و قدرتی جز نیرو و قدرت بی کران او نیست و هیچ توانمندی جز به یاری و قدرت او نمی تواند کاری انجام دهد.

آن مرد دستور پیامبر را به جان خرید و ضمن آراسته ساختن جان به پروای خدا، راه شکیبایی را در زندگی پیش گرفت و به آن ذکر توسل جست و آن گاه چیزی نگذشته بود که پسرش به خواست خدا با غفلت اسارت گیرندگانش فرار کرد و خود را به خانه رساند و شتری نیز که بر آن سوار شده بود با خود به غنیمت آورد. و این جلوه ای کوچک از پیام آیه مورد بحث است که فرمود: هر کس پروای خدا را پیشه سازد، خدا برای او برون رفتن از مشکلات و تنگناها می گشاید و روزی او را از جایی که حساب آن را هم نکرده است می سازد.

(۳۴) راز خوشبختی

از امام صادق آورده اند که فرمود: منظور از «وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ»

این است که: خدا به کسی که پروا پیشه سازد، به آنچه به او داده است برکت می بخشد. «یُبارِکُ لَهُ فیما اتاهُ».(۱)

و «ابوذر غفاری» از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «اِنّی لَاَعْلَمُ آیَهً لَوْ اَخَذَ بِهَا النّاسُ لَکَفَتْهُمْ : وَ مَنْ یَتَّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجا...فَما زالَ یَقُولُها وَ یُعیدُها».(۲)

من آیه ای را از قرآن شریف نشان دارم که اگر همه انسان ها دست به دامان آن زنند، برای حل مشکلات و رفع تنگناهای آنان بسنده است؛ و آن گاه به تلاوت آیه مورد بحث پرداخت و بارها آن را تکرار کرد که: «وَ مَنْ یَتَّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجا وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ...» در ادامه آیه می فرماید: «وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» : و هرکس بر خدا اعتماد کند، همو برایش بسنده است.

راز خوشبختی (۳۵)

ص:۳۵

۱- نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۵۷.

۲- تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۶۰.

آری، اگر انسانی به او ایمان داشته باشد و کار دنیا و آخرت خویش را به تدبیر و تقدیر او واگذارد، خدای فرزانه او را کفایت می کند و با او به گونه ای رفتار می کند که دنیای آباد و آزاد و بهشت پرطراوت را به دست آورد.

در روایتی آمده است : «مَنْ سَرَّهُ اَنْ یَکُونَ اَقْوَی النّاسِ فَلْیَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ : کسی که مایل است پرتوان ترین انسان ها گردد، باید به خدا "توکل" نماید».(۱)

در ادامه آیه می افزاید: «إِنَّ اللّهَ بالِغُ أَمْرِهِ» .

چرا که خدا به دلیل دانش و قدرت بی کرانش، خواست و فرمان خود را به انجام می رساند، و هیچ کسی نمی تواند جلو تدبیر و تقدیر او، در پدید آوردن پدیده ها و تدبیر هستی را بگیرد.

(۳۶) راز خوشبختی

ص:۳۶

۱- نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۵۸.

به باور پاره ای منظور این است که: بی گمان فرمان خـدا در مورد کسانی که به او توکّل نمایند و یا اعتماد نکنند انجام شدنی است.

قَـدْ جَعَلَ اللّهُ لِکُلِّ شَـیْءٍ قَدْراً: به یقین خدا برای هرچیز اندازه ای قرار داده است که آن نظام و تقدیر بی کم و کاست رعایت می گردد.

به باور پاره ای منظور این است که: خدا برای هر چیزی بر اساس مصـلحت و رحمت مقرراتی در حلال و حرام و روا و ناروا و ترغیب و هشدار قرار داده است؛ (۱)

ذکر این مطلب نیز لازم است که هرگز مفهوم آیه این نیست که انسـان تلاش و کوشـش برای زنـدگی را به دست فراموشـی بسپارد وبگویـد در خـانه می نشـینم و تقوا پیشه می کنم و ذکر " لا ـ حَوْلَ وَ لا ـ قُوَّهَ اِلاّ ـ بِاللّهِ " می گویم تا از آن جاکه گمان ندارم به من

راز خوشبختی (۳۷)

ص:۳۷

۱- مجمع البیان ، ج ۲۷ و ۲۸ صفحه ۱۰۲۵.

روزی برسد ، نه هرگز مفهوم آیه چنین نیست ، هدف تقوا و پرهیزگاری توأم با تلاش و کوشش است، اگر با این حال درها به روی انسان بسته شد ، خداوند گشودن آن ها را تضمین فرموده است .

و لذا در حدیثی می خوانیم که یکی از یاران امام صادق « عمر بن مسلم » مدتی خدمتش نیامد ، حضرت جویای حال او شد، عرض کردند : « او تجارت را ترک گفته و رو به عبادت آورده است»، فرمود: « وای بر او ، آیا نمی داند کسی که تلاش و طلب روزی را ترک گوید ، دعایش مستجاب نمی شود (اَما عَلِمَ اَنَّ تارِکَ الطَّلَبِ لا یُسْتَجابُ لَهُ) » .

سپس افزود : جمعی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی آیه «وَ مَنْ یَتَّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجا وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ» نازل شد ، درها را به روی خود بستند و رو به عبادت آوردند و گفتند : « خداوند روزی ما را عهده دار شده » این جریان به گوش

پیامبر صلی الله علیه و آله رسید ، کسی را نزد آن ها فرستاد که : « چرا چنین کرده اید » ؟ گفتند: « ای رسول خدا ! چون خداوند روزی ما را تکفل کرده، ما مشغول عبادت شدیم» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « اَنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذلِکَ لَمْ یُسْتَجَبْ لَهُ عَلَیْکُمْ بِالطَّلَبِ : هر کس چنین کند، دعایش مستجاب نمی شود،برشمابادکه تلاش و طلب کنید» .(1)

(۳۸) راز خوشبختی

مفهوم روح توکل بر خدا

منظور از توکل بر خدا ، این است که انسان تلاشگر کار خود را به او واگذارد و حل مشکلات خویش را از او بخواهد، خدایی که از تمام نیازهای او آگاه است ، خدایی که نسبت به او ، رحیم و مهربان است و خدایی که قدرت حل هر مشکلی را دارد .

کسی که دارای روح توکل است ، هرگز یأس و ناامیدی را به خود راه نمی دهد ، در

۱- « نور الثقلین » ، جلد ۵ ، صفحه ۳۵۴ ، حدیث ۳۵ .

برابر مشکلات ، احساس ضعف و زبونی نمی کند ، در برابر حوادث سخت ، مقاوم است و همین فرهنگ و عقیده چنان قدرت روانی به او می دهد که می تواند بر مشکلات پیروز شود و از سوی دیگر امدادهای غیبی که به متوکلان نوید داده شده است ، به یاری او می آید و او را از شکست و ناتوانی رهایی می بخشد .

۱ « نور الثقلین » ، جلد ۵ ، صفحه ۳۵۴ ، حدیث ۳۵ .

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: « از پیک وحی خدا ، جبرئیل ، پرسیدم : توکل چیست ؟ گفت : حقیقت توکل این است که انسان بداند مخلوق نه زیان می رساند و نه نفع ، نه عطا می کند و نه منع، چشم امیداز خلق برداشتن (و به خالق دوختن) هنگامی که چنین شود ، انسان جُز برای خدا کار نمی کند ، به غیر او امید ندارد ، از غیر او نمی ترسد و دل به کسی جُز او نمی بندد ، این روح توکل است » (۱)

۱- « بحار الانوار » ، جلد ۶۹ ، صفحه ۳۷۳ ، حدیث ۱۹ .

« توکل » با این محتوای عمیق ، شخصیت تازه ای به انسان می بخشد و در تمام اعمال او اثر می گذارد ، لذا در حدیثی می خوانیم که پیغمبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پیشگاه خداوند سؤال کرد : « پروردگارا ! چه عملی از همه اعمال برتر است (اَیُّ الْاَعْمالِ اَفْضَلُ) » ؟ خداوند متعال فرمود : « لَیْسَ شَیْ ءٌ عِنْدی اَفْضَلَ مِنَ التَّوَکُّلِ عَلَیَّ وَ الرِّضا بِما قَسَمْتُ : چیزی در نزد من افضل و برتر از توکل برمن و خشنودی به آن چه قسمت کرده ام، نیست ».(۱)

بدیهی است توکل به این معنی همیشه توأم با جهاد و تلاش و کوشش است ، نه تنبلی و فرار از مسؤولیت ها .(۲)

راز خوشبختی (۴۱)

ص:۴۱

۱- « سفینه البحار » ، جلد ۲ ، صفحه ۶۸۳ (ماده وکل) .

۲- « تفسیر نمونه » ، جلد ۲۴ ، صفحه ۲۳۷ .

چرا اشخاص و جوامع فاقد ایمان زندگی مرفه دارند ؟

از آن چه در بالا گفتیم پاسخ یک سؤال که زیاد در میان جمعی مورد بحث و گفتگو است روشن می گردد و آن این که اگر ایمان و تقوا ، موجب نزول انواع برکات الهی است و نقطه مقابل آن باعث سلب برکات است چرا مشاهده می کنیم اشخاص یا ملت های بی ایمانی را که غرق ناز و نعمتند ، در حالی که جمعی از افراد باایمان به سختی روزگار می گذرانند ؟

پاسخ این سؤال با توجه به دو نکته روشن می گردد :

۱ این که تصور می شود ملت های فاقد ایمان و پرهیزکاری غرق در ناز و نعمتند ، اشتباه بزرگی است که از اشتباه دیگری یعنی ثروت را دلیل بر خوشبختی گرفتن سرچشمه می گیرد .

(۴۲) راز خوشبختی

معمولاً مردم این طور فکر می کنند که هر ملتی صنایعش پیشرفته تر و ثروتش بیشتر

باشـد خوشـبخت تر است در حالی که اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم و دردهای جانکاهی که روح و جسم آن ها را درهم می کوبـد از نزدیک ببینیم قبول خواهیم کرد که بسـیاری از آن ها از بیچاره ترین مردم روی زمین هسـتند ، بگذریم از این که همـان پیشـرفت نسبی ، نتیجه به کار بسـتن اصولی هماننـد کوشـش و تلاش و نظم و حس مسؤولیت است که در متن تعلیمات انبیا قرار دارد .

چندی پیش این خبر در جرائد منتشـر شد که در « نیویورک » یعنی یکی از ثروتمندترین و پیشـرفته ترین نقاط دنیای مادی ، بر اثر خاموشـی ناگهانی برق صـحنه عجیبی به وجود آمد ، یعنی بسیاری از مردم به مغازه ها حمله بردند و هستی آن ها را غارت کردند ، تا آن جا که سه هزار نفر از غارتگران به وسیله پلیس بازداشت شدند .

مسـلما تعداد غارتگران واقعی چندین برابر این عدد بوده و تنها این عده بودند که نتوانسـتند به موقع فرار کنند و نیز مسلم است که آن ها غارتگران حرفه ای نبوده اند که

راز خوشبختی (۴۳)

ص:۴۳

نفرات خود را برای چنان حمله عمومی از قبل آماده کرده باشند ، زیرا حادثه یک حادثه ناگهانی بود .

بنابراین چنین نتیجه می گیریم که با یک خاموشی برق ، ده ها هزار نفر از مردم یک شهر ثروتمند و به اصطلاح پیشرفته تبدیل به « غارتگر » شدند ، این نه تنها دلیل بر انحطاط اخلاقی یک ملت است بلکه دلیل بر ناامنی شدید اجتماعی نیز می باشد .

خبر دیگری که در جراید بود این خبر را تکمیل کرد و آن این که یکی از شخصیت های معروف که در همان ایام در نیویورک در یکی از هتل های مشهور چندین طبقه ای نیویورک سکونت داشت می گوید : قطع برق ، سبب شد که راه رفتن در راهروهای هتل به صورت کار خطرناکی درآید ، به طوری که متصدیان هتل اجازه نمی دادند کسی تنها از راهروها بگذرد و به اطاق خود برسد مبادا گرفتار غارتگران گردد، لذا مسافران را در اکیپ های ده نفری یا بیشتر ، با مأمورین مسلح به اطاق های

خود می فرستادند ، شخص مزبور اضافه می کند که تا گرسنگی شدید به او فشار نمی آورده جرأت نداشته است از اطاق خویش خارج گردد .

(۴۴) راز خوشبختی

اما همین خاموشی برق در کشورهای عقب مانده شرقی هرگز چنین مشکلاتی را به وجود نمی آورد و این نشان می دهد که آن ها در عین ثروت و پیشرفت صنایع کمترین امنیتی در محیط خودشان ندارند ، از این گذشته ناظران عینی می گویند آدم کشی در آن محیط ها همانند نوشیدن یک جرعه آب است ، به همین آسانی .

و می دانیم اگر تمام دنیا را به کسی بدهند تا در چنین شرایطی زندگی کند از بیچاره ترین مردم جهان خواهد بود ، تازه مشکل امنیت تنها یکی از مشکلات آن ها است ، نابسامانی های فراوان اجتماعی دیگری دارند که آن ها نیز به نوبه خود بسیار دردناکند ، با توجه به این حقایق ثروت را نباید با خوشبختی اشتباه کرد .

۲ اما این که گفته می شود چرا جوامعی که دارای ایمان و

پرهیزکاری هستند عقب مانده اند؟

راز خوشبختی (۴۵)

اگر منظوراز ایمان و پرهیزکاری تنها ادعای اسلام و ادعای پایبندبودن به اصول تعلیمات انبیاء باشد، قبول داریم چنین افرادی عقب مانده اند ، ولی می دانیم حقیقت ایمان و پرهیزکاری چیزی جز نفوذ آن در تمام اعمال و همه شؤن زندگی نیست و این امری است که با ادعا تأمین نمی گردد .

با نهایت تأسف امروز اصول تعلیمات اسلام و پیامبران خدا در بسیاری از جوامع اسلامی متروک یا نیمه متروک مانده است و چهره این جوامع چهره مسلمانان راستین نیست . اسلام دعوت به پاکی و درستکاری و امانت و تلاش و کوشش می کند کجاست آن امانت و تلاش؟ اسلام دعوت به علم و دانش و آگاهی و بیداری می کند کجاست آن علم و آگاهی سرشار ؟ اسلام دعوت به اتحاد و فشردگی صفوف و فداکاری می کند ، آیا به راستی این اصل به طورکامل درجوامع اسلامی

ص:۴۶

امروز حکمفرما است و بااین حال عقب مانده اند ؟ بنابراین باید اعتراف کرد اسلام چیزی است و عمل ما مسلمانان چیز دیگر (۱).

(۴۶) راز خوشبختی

متقابلاً از آیات قرآن کریم استفاده می شود که هر گونه نافرمانی خدا و ظلم به دیگران عامل فقر و فلاکت و بدبختی است .

بـا این شـاخص بسـیاری از کسـانی که در زنـدگی مـادی دچار گرفتاری های متعـدد هسـتند می تواننـد اعمال و رفتار خود را بازنگری کرده و با نسخه شفابخش قرآن کریم ، از بیماری فقر و فلاکت نجات یابند .

رسیدن به اوج خوبی ها ره آورد انفاق در راه خداست

«یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اَنْفِقُوا مِنْ طَیِّباتِ ما کَسَبْتُمْ وَ مِمّا اَخْرَجْنا لَکُمْ مِنَ الْاَرْضِ

وَ لا تَیَمَّمُوا الْخَبیثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِاخِذیهِ اِلاّ اَنْ تُغْمِضُوا فیهِ وَ اعْلَمُوا اَنَّ

۱- « تفسیر نمونه » جلد ۶ ، صفحه ۲۶۷ تا ۲۷۰ .

اللّهَ غَنِیٌّ حَمیدٌ : (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید از قسمت های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده اید و از آن چه از زمین برای شما خارج ساخته ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان) ، انفاق کنید و برای انفاق ، به سراغ قسمت های ناپاک نروید در حالی که خود شما ، (به هنگام پذیرش اموال ،) حاضر نیستید آن ها را بپذیرید ؛ مگر از روی اغماض و کراهت و بدانید خداوند ، بی نیاز و شایسته ستایش است» .

در این آیه سخن از چگونگی اموالی است که باید انفاق گردد .

نخست می فرماید : (یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اَنْفِقُوا مِنْ طَیِّباتِ ما کَسَبْتُمْ وَ مِمّا

۱- ۲۶۷ / بقره .

اَخْرَجْنـا لَكَمْ مِنَ الاْـرْضِ) « ای کسانی که ایمان آورده ایـد از اموال پاکیزه ای که (از طریق تجارت) به دست آورده ایـد و از آنچه از زمین برای شما خارج کرده ایم (از منابع و معادن زیرزمینی و از کشاورزی و زراعت و باغ) انفاق کنید » .

جمله « ما کَسَـبْتُمْ » (آنچه کسب کرده ایـد) اشاره به درآمدهای تجاری است و جمله « مِمّا اَخْرَجْنا لَکُمْ مِنَ الْاَرْضِ » (از آنچه از زمین برای شـما خارج ساخته ایم) اشاره به انواع درآمدهای زراعی و کشاورزی و همچنین معادن زیرزمینی است ، بنابراین تمـام انواع درآمـدها را شامـل می شود ، زیرا سرچشـمه تمـام اموالی که انسـان دارد ، زمین و منـابع گونـاگونی آن است حتّی صنایع و دامداری و مانند آن ، همه از زمین مایه می گیرد .

این تعبیر ضـمنا اشاره ای به این حقیقت است که ما منابع این ها را در اختیار شـما گذاشتیم بنابراین نباید از انفاق کردن بخشی از طیّبات و پاکیزه ها و «سرگل» آن در راه

خدا دریغ کنید .

راز خوشبختی (۴۹)

سپس برای تأکید هر چه بیشتر می افزاید : « وَ لا تَیَمَّمُوا الْخَبیثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِاخِذیهِ اِلّا اَنْ تُغْمِضُوا فیهِ : به سراغ قسمت های ناپاک نروید تا از آن انفاق کنید در حالی که خود شما حاضر نیستید آن را بپذیرید ، مگر از روی اغماض و کراهت » .

از آن جا که بعضی از مردم عادت دارند همیشه از اموال بی ارزش و آنچه تقریبا از مصرف افتاده و قابل استفاده خودشان نیست انفاق کنند و این گونه انفاق ها علاوه بر این که سود چندانی به حال نیازمندان ندارد ، یک نوع اهانت و تحقیر نسبت به آن ها است و موجب تربیت معنوی و پرورش روح انسانی نیز نمی باشد ، این جمله صریحا مردم را از این کار نهی می کند و آن را با دلیل لطیفی همراه می سازد و آن این که ، شما خودتان حاضر نیستید این گونه اموال را بپذیرید مگر از روی کراهت و ناچاری چرا درباره برادران مسلمان و از آن بالاتر خدایی که در راه او انفاق می کنید و

ص:۵۰

همه چیز شما از او است راضی به این کار می شوید .

(۵۰) راز خوشبختی

در حقیقت ، آیه به نکته لطیفی اشاره می کند که انفاق در راه خدا ، یک طرفش مؤمنان نیازمندند و طرف دیگر خدا و با این حال اگر اموال پست و بی ارزش انتخاب شود ، از یک سو تحقیری است نسبت به نیازمندان که ممکن است علیرغم تهیدستی مقام بلندی از نظر ایمان و انسانیت داشته باشند و روحشان آزرده شود و از سوی دیگر سوءِ ادبی است نسبت به مقام شامخ پروردگار .

جمله « لا تَيَمَّمُوا » (قصد نکنید) ممکن است اشاره به این باشد که اگر در لابلای اموالی که انفاق می کنید بدون توجّه چیز نامرغوبی باشد ، مشمول این سخن نیست . سخن این است که از روی عمد اقدام به چنین کاری نکنید .

تعبیر به « مِنْ طَيِّباتِ » (پاکیزه ها) هم پاکیزگی ظاهری را شامل می شود و ارزش داشتن برای مصرف و هم پاکیزگی معنوی ، یعنی اموال شبهه ناک و حرام ، زیرا افراد

ص:۵۱

باایمان از پذیرش همه این ها کراهت دارند و جمله « اِلّا اَنْ تُغْمِضُوا فیهِ » شامل همه می شود و این که بعضـی از مفسّران آن را منحصر به یکی از این دو دانسته اند صحیح به نظر نمی رسد .

راز خوشبختی (۵۱)

نظیر این آیه در سوره آل عمران آیه **۹۲** نیز آمـده است آن جا که می فرماید : « لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ : هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسـید ، مگر آن که از آنچه دوست داریـد ، انفاق کنیـد» . البته این آیه بیشتر روی اثرات معنوی انفاق تکیه می کند .

و در پایان آیه می فرماید : «بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است» (وَ اعْلَمُوا اَنَّ اللّهَ غَنِیٌّ حَمیدٌ) .

یعنی نه تنها نیازی به انفاق شـما نـدارد و از هر نظر غنی است ، بلکه تمام نعمت ها را او در اختیار شـما گـذارده و لذا حمید و شایسته ستایش است .

(۵۲) راز خوشبختی

ص:۵۲

بعضـی احتمال داده اند که «حَمیدٌ» در این جا به معنی اسم فاعل باشد (ستایش کننده) نه به معنی محمود و ستایش شده ، یعنی در عین این که از انفاق شما بی نیاز است شما را به خاطر اموال پاکیزه ای که انفاق می کنید ، مورد ستایش قرار می دهد .

شک نیست که انفاق در راه خدا برای تقرّب به ذات پاک او است و مردم هنگامی که می خواهند به سلاطین و شخصیّت های بزرگ تقرّب جوینـد ، بهـترین اموال خود را به عنوان تحفه و هـدیه برای آن هـا می برنـد ، در حـالی که انسـان هـای ضـعیفی همچون خودشان انـد، چگونه ممکن است انسان به خداوندبزرگی که تمام عالم هستی از اوست ، به وسـیله اموال بی ارزش و از مصـرف افتاده ، تقرّب جویـد و این که می بینیم در زکات واجب و حتّی در قربانی نبایـد از نوع نامرغوب اسـتفاده کرد ، نیز در همین راستا است ، به هر حال باید این فرهنگ قرآنی در میان همه مسلمین زنده شود که برای انفاق ،

بهترین را انتخاب نمایند(۱)

راز خوشبختی (۵۳)

«ها اَنْتُمْ هؤُلاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فی سَبیلِ اللّهِ فَمِنْکُمْ مَنْ یَبْخَلُ وَ مَنْ یَبْخَلْ فَاِنَّما یَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَ اللّهُ الْغَنِیُّ وَ اَنْتُمُ الْفُقَراءُ وَ اِنْ تَتَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْما غَیْرَکُمْ ثُمَّ لا یَکُونُوا اَمْثالَکُمْ : آری شما همان جمعیتی هستید که دعوت برای انفاق در راه خدا می شوید و بعضی از شما بخل می ورزند و هرکس بخل کند ، نسبت به خود بخل کرده است و خداوند بی نیاز است و شما همه نیازمندید و هرگاه سرپیچی کنید ، خداوند گروه دیگری را به جای شما می آورد که مانند شما نخواهند بود» .(۲)

(۵۴) راز خوشبختی

آیه مورد بحث تأکید دیگری است بر آن چه در آیات مختلف قرآن کریم پیرامون

ص:۵۴

۱- « تفسیر نمونه » جلد ۲ ، ذیل آیه شریفه .

۲- ۳۸ / محمّد .

مسائل مادی و دلبستگی های مردم به آن و انفاق در راه خدا آمده است .

می فرمایـد : « هـا اَنْتُمْ هؤُلاءِ تُـدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فی سَبیلِ اللّهِ فَمِنْکُمْ مَنْ یَبْخَلُ: بدانیـد شـما همان جمعیتی هستیـد که دعوت برای انفاق در راه خدا می شوید ، بعضی از شما این فرمان الهی را اطاعت می کنند در حالی که بعضی بخل می ورزند» .

در این جـا این سؤال مطرح می شود که در آیات قبل گفته شـد ، خداونـد اموال شـما را مطالبه نمی کنـد ، چگونه در این آیه دستور به انفاق فی سبیل اللّه داده شده است ؟

ولی دنباله خود آیه در حقیقت به این سؤال از دو راه پاسخ می دهد؛ نخست می گوید : «وَ مَنْ یَبْخَلْ فَاِنَّما یَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ» .

چراکه نتیجه انفـاق ها هم در دنیا به خود شـما بازمی گردد ، زیرا فاصـله های طبقاتی کم می شود ، آرامش و امنیت در جامعه حکمفرما می گردد ، محبت و صفا و صمیمیت ، جای کینه و عداوت را می گیرد ، این پاداش دنیوی شما است .

راز خوشبختی (۵۵)

ص:۵۵

و هـم در آخرت در برابر هر درهـم و دینـاری، مـواهب و نعمت هـایی به شـما ارزانی می دارد که هرگز به فکر بشـری خطـور نکرده است ، بنابراین هرقدر بخل کنید ، به خودتان بخل کرده اید .

به تعبیر دیگر مسأله « انفاق » در این جا بیشتر ناظر به انفاق برای جهاد است و تعبیر به « فی سبیل اللّه » نیز تناسب با همین معنی دارد و واضح است که هرگونه کمک به پیشرفت امر جهاد ، ضامن حفظ موجودیت و استقلال و شرف یک جامعه است .

پاسخ دیگر این که ؛ « وَ اللّهُ الْغَنِیُّ وَ اَنْتُمُ الْفُقَراءُ » .

او هم از انفـاق شـما بی نیـاز است و هم از اطاعتتـان ، این شـما هستیـدکه دردنیـا و آخرت به لطف و رحمت و پـاداش او نیـاز دارید.

اصولاًـ موجودات امکـانیه و مـا سوی اللّه سـر تا پا فقر و نیازنـد و غنی بالـذات تنها خـدا است ، آن ها حتّی در اصل وجودشان دائما وابسته به اویند و لحظه به لحظه از منبع

لایزال فیض وجود او مـدد می گیرنـد که اگر یک لحظه از آن ها قطع فیض کند هستی همه بر باد می رود « و فرو ریزند قالب ها » .

(۵۶) راز خوشبختی

آخرین جمله هشـداری است به همه مسـلمانان که قـدر این نعمت بزرگ و موهبت عظیم را بدانیـد که خداوند شـما را پاسدار آیین پـاکش قرار داد تـا حامیـان دین و یاوران پیامبر او باشـید ، اگر به این نعمت بزرگ ارج ننهیـد (وَ اِنْ تَتَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْما غَیْرَکُمْ ثُمَّ لا یَکُونُوا اَمْثالَکُمْ) « و اگر روی گردان شوید، این مأموریت را به گروه دیگری می سپارد، گروهی که همانند شما نخواهند بود » .

آری این بار هرگز بر زمین نمی مانـد ، اگر شـما به اهمیت جایگاهتان پی نبرید و این رسالت عظیم را نادیده بگیرید ، خداوند قوم دیگری را برمی انگیزد و این رسالت عظیم را بر دوش آن ها می افکند ، قومی که در ایثار و فداکاری و بذل جان و مال و انفاق

ص:۵۷

فی سبیل اللّه به مراتب از شما برتر و بالاترباشند .(۱)

آرامش کامل دستاورد ایمان، عمل صالح، برپاداشتن نماز و کمک به محرومین است

«اِنَّ الَّذینَ امَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ اَقامُوا الصَّلوهَ وَ اتَوُا الزَّکوهَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ: کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند ، اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند ».

کسانی که در پرتو ایمان ، خود پرستی را ترک گفته و عواطف فطری خود را زنده کرده و علاوه بر ارتباط با پروردگار و برپا داشتن نماز ، به کمک و حمایت نیازمندان می شتابند و از این راه از تراکم ثروت و به وجود آمدن اختلافات طبقاتی و به دنبال آن

۱- « تفسیر نمونه » جلد ۲۱ ، ذیل آیه شریفه .

هزار گونه جنایت جلوگیری می کننـد پاداش خود را نزد پروردگار خواهنـد داشت و در هر دو جهان از نتیجه عمل نیک خود بهره مند می شوند .

۱ « تفسیر نمونه » جلد ۲۱ ، ذیل آیه شریفه .

طبیعی است که بـا پرداخت حقـوق مردم دیگر عوامـل اضـطراب و دلهره برای این دسـته به وجود نمی آیـد خطری که در راه سرمایه داران مفت خوار بود و لعن و نفرین هایی که به دنبال آن نثار آن ها می شد برای این دسته نیست .

و بالاخره از «آرامش کامل» برخوردار بوده هیچ گونه اضطراب و غمی نخواهند داشت همان گونه که در پایان آیه آمده «وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ» .(۱)

معیار اصلی ارزش و خوشبختی انسان ها

«وَ ما اَمْوالُکُمْ وَ لا اَوْلادُکُمْ بِالَّتی تُقَرِّبُکُمْ عِنْدَنا زُلْفی اِلاّ مَنْ امَنَ وَ عَمِلَ صالِحا

۱ « تفسیر نمونه » جلد ۲ ، ذیل آیه شریفه .

۱- « تفسیر نمونه » جلد ۲ ، ذیل آیه شریفه .

فَأُولئِکَ لَهُمْ جَزاءُ الضِّعْفِ بِما عَمِلُوا وَ هُمْ فِی الْغُرُفاتِ آمِنُونَ:(۱) اموال و فرزندان شما هرگز شما را نزدما مقرب نمی سازد ، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند که برای آن ها پاداش مضاعف در برابر اعمالی است که انجام داده اند و آن ها در غرفه های (بهشتی) در (نهایت) امنیت خواهند بود» .

این اشتباه بزرگی است که دامن گیر گروهی از عوام شده است که تصور می کنند ، آن ها که در این جهان از نظر مادی گرفتار محرومیتند ، مغضوب و مطرود درگاه خدا هستند و آن ها که در رفاه و نعمت غوطه ورند محبوب و مقبول او می باشند .

چه بسیار افراد محرومی که با این وسیله آزمایش می شوند و به برترین مقامات می رسند و چه بسیار افراد متنعمی که اموال و ثروتشان بلای جانشان و مقدمه

۱- ۳۷ / سبأ .

مجازاتشان است .

(۶۰) راز خوشبختی

مگر قرآن درآیه ۱۵ سوره تغابن صریحانمی گوید: «اِنَّما اَمْوالُکُمْ وَ اَوْلادُکُمْ فِتْنَهٌ وَ اللّهُ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظیمٌ : اموال و فرزندان شما وسیله آزمایش شما هستند و پاداش عظیم نزد خدا است » .

این سخن بدان معنی نیست که انسان دست از تلاش و کوشش لازم برای زندگی بردارد ، بلکه هدف این است که داشتن امکانات اقتصادی و نیروی انسانی فراوان ، هرگز معیار ارزش معنوی انسان ها درپیشگاه خدانمی شود .

سپس به معیار اصلی ارزش های انسان ها و آن چه مایه تقرب به درگاه خدا می شود پرداخته ، می گوید : « اِلّا مَنْ امَنَ وَ عَمِلَ صالِحا فَاُولئِکَ لَهُمْ جَزاءُ الضِّعْفِ بِما عَمِلُوا وَ هُمْ فِی الْغُرُفاتِ امِنُونَ » .

بنابراین تمام معیارها به این دو امر باز می گردد : « ایمان » و عمل « صالح » ، از هر

کس و در هر زمان و در هر مکان و از هر قشر و هر گروه و تفاوت انسان ها در پیشگاه خدا به تفاوت درجات ایمان و مراتب عمل صالح آن ها است و جز این چیز دیگری نیست .

حتی علم و دانش و انتساب به افراد بزرگ، حتی به پیامبران، اگر توأم با این دو معیار نباشد ، به تنهایی چیزی بر ارزش انسان نمی افزاید .

این جا است که قرآن با صراحت بی نظیرش قلم بطلان بر تمام پندارهای انحرافی و خرافی در زمینه عوامل قرب به پروردگار و ارزش وجودی انسان کشیده و معیار اصیل را در دو چیز خلاصه کرده که همه انسان ها قدرت بر تحصیل آن را دارند و امکانات و محرومیت های مادی در آن مؤثر نیست .

آری اموال و اولاد نیز اگر در این مسیر قرار گیرند به همین صبغه الهی در می آیند و رنگ ایمان و عمل صالح می پذیرند و مایه قرب خدا می شوند ، اما اموال و اولادی که

انسان را از خـدا دور سازنـد و همچون بتی مورد پرسـتش قرار گیرنـد و مایه فساد و افساد گردند آتش گیره های جهنمند و به گفته قرآن : دشمن جان انسان و دشمن سعادت او هستند : «یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اِنَّ مِنْ اَزْواجِکُمْ وَ اَوْلادِکُمْ عَدُوّا لَکُمْ فَاحَذَرُوهُمْ :(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند ، از آن ها بر حذر باشید » .

ضمنا « ضِعف » تنها به معنی « دو چنـدان » نیست ، بلکه به معنی « چنـد برابر » آمـده است و در آیه مورد بحث به همین معنی است ، زیرا می دانیم پـاداش هر کار نیک در نزد خـدا حـداقل ده برابر است ، « مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها » (۲)و گاه به مراتب از این هم فراتر می رود .

راز خوشبختی (۶۳)

۱- ۱۴ / تغابن .

۲- ۱۶۰ / انعام .

« غُرُفات » جمع « غرفه » به معنی حجره هـایی است در طبقه بالاـ قرار گرفته که هم نـور بیشـتر دارد و هم هوای بهـتر و هم از آفات به دور است ، به همین دلیل این تعبیر در مورد برترین منازل بهشت به کار رفته است .

این لغت در اصل از ماده « غَرْف » به معنی بالا بردن و برداشتن چیزی است .

تعبیر به آمنون (کسانی که در امنیت به سر می برنـد) در مورد بهشتیان تعبیر بسـیار جامعی است که آرامش روح و جسم آن ها را از هر نظر منعکس می کند ، چراکه نه ترس فنا و زوال و مرگ دارند و نه ترس هجوم دشمن و نه بیماری و آفت و اندوه و نه حتی ترس از ترس و نعمتی برتراز این نیست که انسان از هر نظر در امنیت به سر برد ، همان گونه که بلایی بدتر از ناامنی در جنبه های مختلف زندگی وجود ندارد (1)

(۶۴) راز خوشبختی

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۱۸ ، ذیل آیه شریفه .

استفاده بجا از مواهب مادی رمز بقای آن ها است

ذلِکَ بِاَنَّ اللّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّرا نِعْمَهً اَنْعَمَها عَلی قَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِاَنْفُسِهِمْ وَ اَنَّ اللّهَ سَمیعٌ عَلیمٌ:(1)این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد جز آن که آن ها خودشان را تغییر دهند و خداوند شنوا و دانا است »

.

فیض رحمت خدا بیکران و عمومی و همگانی است ولی به تناسب شایستگی ها و لیاقت ها به مردم می رسد ، در ابتدا خدا نعمت های مادی و معنوی خویش را شامل حال اقوام می کند ، چنان چه نعمت های الهی را وسیله ای برای تکامل خویش ساختند و از آن در مسیر حق مدد گرفتند و شکر آن را که همان استفاده صحیح است به جا آوردند ، نعمتش را پایدار بلکه افزون می سازد ، اما هنگامی که این مواهب وسیله ای

1- 53 / انفال .

برای طغیان و سرکشی و ظلم و بیدادگری و تبعیض و ناسپاسی و غرور و آلودگی گردد ، در این هنگام نعمت ها را می گیرد و یا آن را تبدیل به بلاـ و مصیبت می کند ، بنابراین دگرگونی ها همواره از ناحیه ما است وگرنه مواهب الهی زوال ناپذیر است .

راز خوشبختی (۶۵)

عوامل خوشبختی و بدبختی ملت ها

تاریخ، اقوام و ملت های گوناگونی را به ما نشان می دهد : گروهی را که آخرین مراحل ترقی را به سرعت طی کردند و گروهی را که به پایین ترین مرحله انحطاط رسیدند ، گروه سومی که یک روز پراکنده و وامانده و شکست خورده بودند ، اما روز دیگر نیرومند و سربلند شدند ، گروه چهارمی که به عکس از عالی ترین مرحله افتخار به قعر دره ذلت و خواری سقوط کردند.

بسیارند کسانی که از برابر صحنه های مختلف تاریخ به آسانی می گذرند ، بدون این که کمترین اندیشه ای در آن کنند و نیز بسیارند کسانی که به جای بررسی علل و

عوامل اصلی و زیربنایی حیات و مرگ ملت ها ، گناه را به گردن عوامل کم اهمیّت که نقش اساسی را به عهده ندارند و یا عوامل موهوم و خرافی و خیالی می اندازند .

(۶۶) راز خوشبختی

بسیاری تمام علت بدبختی خود را به بیگانگان و سیاست های مخرب آن ها نسبت می دهند و عده ای همه این حوادث را مولود گردش موافق و مخالف افلاک می پندارند ، سرانجام عده ای دست به دامن قضا و قدر ، به مفهوم تحریف یافته اش و یا شانس و طالع و اقبال می زنند و همه حوادث تلخ و شیرین را از این طریق توجیه می کنند .

همه این ها برای این است که از درک علل واقعی وحشت دارند .

قرآن در آیات فوق انگشت روی نقطه اصلی « دردها » و « درمان ها » و عوامل پیروزی و شکست گذارده و می گوید: برای یافتن عامل اصلی لازم نیست آسمان ها و زمین ها را جستجو کنید و یا به دنبال عوامل موهوم و پنداری راه بیفتید بلکه کافی است تنها در وجود ، در فکر و روحیه و اخلاق خود و در نظامات اجتماعی

خودتان جستجو کنید ، هر چه هست در این جا است .

راز خوشبختی (۶۷)

ملت هـایی که فکر و انـدیشه خود را به کـار انداختنـد ، دست اتحـاد و برادری به هم دادنـد ، سـعی و تلاش و اراده و تصـمیم نیرومند داشتند و به هنگام لزوم ، جانبازی و فداکاری کردن و قربانی دادند ، به طور قطع پیروز شدند ، امّا هنگامی که رکود و سستی و تنبلی جای سـعی و کوشش را گرفت ، غفلت و بی خبری به جای آگاهی و تردید و دو دلی به جای تصمیم ، محافظه کـاری به جـای شـهامت ، نفاق و تفرقه به جای اتحاد ، تن پروری و خودخواهی به جای فـداکاری و تظاهر و ریاکاری به جای اخلاص و ایمان نشست ، سقوط و نکبت آغاز شد .

در حقیقت جمله « ذلِکَ بِاَنَّ اللّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّرا نِعْمَهً اَنْعَمَها عَلی قَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِاَنْفُسِهِمْ » برترین قانون حیات انسان ها را بیان می کند و روشن می سازد که مکتب قرآن در زمینه حیات جامعه ها اصیل ترین و روشن ترین مکتب هاست ،

(۶۸) راز خوشبختی

ص:۶۸

حتّی به آن ها که در عصر اتم و فضا انسان را فراموش کرده و گرداننده چرخ های تاریخ را ابزارهای تولید و مسائل اقتصادی که خود مولود انسان است می پندارند اعلام می کند که شما هم سخت دراشتباهید ، شما معلول را گرفته و علت اصلی را که خود ایشان و دگرگونی انسان هاست فراموش کرده اید، به شاخه چسبیده اید، آن هم فقط یک شاخه و ریشه اصلی را از خاطر برده اید .

راه دور نرویم تاریخ اسلام و یا صحیح تر تاریخ زندگی مسلمین ، شاهد پیروزی های درخشانی در آغاز کار و شکست های تلخ و دردناکی به دنبال آن است، در قرون نخستین، اسلام به سرعت در جهان پیش می رفت و در همه جا نور علم و آزادی می پاشید ، بر سر اقوام سایه علم و دانش می گسترد ، نیروآفرین و قدرت بخش و تکان دهنده و آباد کننده بود و تمدّنی خیره کننده به وجود آورد که در تاریخ سابقه نداشت امّا چند قرن بیشتر نگذشت که این جوشش به خاموشی گرایید ، تفرقه و پراکندگی ، انزوا

ص:۶۹

و بی تفاوتی ، ضعف و ناتوانی و در نتیجه عقب ماندگی جای آن همه ترقّی را گرفت ، تا آن جا که مسلمانان جهان برای وسایل ابتدایی زندگی ناچار شدند دست به دامان دیگران بزنند ، فرزندان خود را برای فراگرفتن علم و دانش راهی دیار بیگانه کنند ، در حالی که یک روز دانشگاه های مسلمانان برترین دانشگاه های جهان و مرکز دانشجویان دوست و بیگانه بود ، ولی کار به جایی رسید که نه تنها صادرکننده علم و صنعت و تکنولوژی نشدند بلکه موادّ ابتدایی غذایی را نیز از خارج از کشورهای خود وارد کردند .

راز خوشبختی (۶۹)

سرزمین فلسطین آن ها ، که یک روز کانون مجد و عظمت مسلمین بود و حتّی جنگجویان صلیبی با میلیون ها کشته و مجروح در طیّ دویست سال نتوانستند آن را از دست سربازان اسلام بیرون آورند، در مدت شش روز به آسانی از دست دادند ، در حالی که برای پس گرفتن یک وجب آن را از دشمن باید ماه ها و سال ها چانه بزنند

ص:۷۰

چانه ای که معلوم نیست پایانش به کجا بیانجامد .

(۷۰) راز خوشبختی

آیـا این وعـده الهی که می فرمایـد : « وَ کانَ حَقّا عَلَیْنا نَصْـرُ الْمُؤْمِنینَ:(۱)یـاری مؤمنان بر عهـده ماست » (۴۷ / روم) تخلف پذیرفته؟

و یـا این که می گویـد : « وَ لِلّهِ الْعِزَّهُ وَ لِرَسُـولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنینَ: (۲) عزت و سـربلندی از آن خـدا و پیـامبر و مؤمنان است » منسوخ گشته ؟

و یا این که می گویـد : « وَ لَقَـدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْـدِ الذِّکْرِ اَنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ :(۳) در کتب آسمانی پیشین نوشتیم که زمین از آن بندگان صالح ماست » دگرگون شده است ؟

راز خوشبختی (۷۱)

۱- ۴۷ / روم .

۲- ۸ / منافقون .

۳- ۱۰۵ / انبیاء .

آیا خداوند ، العیاذ باللّه ، ازانجام وعده های خود عاجزاست؟ و یا وعده های خویش را به دست فراموشی سپرده و یا تغییر داده ؟ ... اگر چنین نیست پس چرا آن همه مجد و عظمت و قدرت و سربلندی و افتخار از میان رفت ؟

قرآن مجید در آیه کوتاه فوق به همه این سؤال ها و صدها سؤال مانند آن یک پاسخ بیشتر نمی گوید و آن این که سری به اعماق قلبتان بزنید و نگاهی به زوایای اجتماعتان بیفکنید ، ببینید دگرگونی ها از ناحیه خود شما شروع شده است ، لطف و رحمت خدا برای همگان گسترده است ، شمایید که شایستگی ها و لیاقت ها را از میان بردید و به چنین روز غم انگیزی افتادید .

این آیه تنها از گذشته سخن نمی گوید که بگوییم گذشته با همه تلخی و شیرینی هایش گذشته است و دیگر بازنمی گردد و سخن از آن بیهوده است .

بلکه از امروز و آینده نیز سخن می گوید ، که اگر بار دیگر به سوی خدا آیید ،

پایه های ایمان را محکم کنید ، اندیشه ها را بیدار سازید ، تعهدها و مسؤولیت هایتان را به یاد آرید ، دست ها را به یکدیگر بفشارید ، به پاخیزید و فریاد کشید و بخروشید و بجوشید ، قربانی دهید و جهاد کنید و تلاش و کوشش را در همه زمینه ها بکار گیرید ، باز هم آب رفته به جوی آید ، روزهای تیره و تاریک سپری شود ، افقی درخشان و سرنوشتی روشن در برابر شما آشکار می گردد و مجد و عظمت دیرین در سطحی عالی تر تجدید خواهد شد .

(۷۲) راز خوشبختی

بیایید عوض شوید : دانشمندانتان بگویند و بنویسند ، جنگجویانتان پیکار کنند تجار و زحمتکشانتان تلاش کنند ، جوانانتان بیشتر و بیشتر درس بخوانند و پاک شوند و تلاش کنند آگاهی بیاندوزند ، تا خون تازه ای در عروق جامعه شما به جریان بیفتد و آن چنان قدرت پیدا کنند که دشمن سرسختی که امروز یک وجب زمین را با خواهش پس نمی دهد تمام زمین ها را با التماس به شما برگرداند .

راز خوشبختی (۷۳)

ص:۷۳

ولی این ها حقایقی است که گفتنش آسان و دانستن و باور کردنش مشکل و عمل کردن به آن مشکل تر است ، ولی به هر حال باید در پرتو نور امید به پیش رفت .

ذکر این نکته نیز لازم است که مسأله رهبری نقش بسیار مؤثری در سرنوشت اقوام و ملل دارد ولی نباید فراموش کرد که ملت های بیدار همواره رهبران لایق را به رهبری خویش می پذیرند و رهبران نالایق و زورگو و ستمکار در برابر خشم و اراده آهنین ملت ها درهم کوبیده می شوند .

این را نیز نباید فراموش کرد که ماورای اسباب و عوامل ظاهری یک سلسله مددهای غیبی و الطاف الهی است که در انتظار بندگان باایمان و پرجوش و با اخلاص است ، ولی آن ها را هم بی حساب به کسی نمی دهند ، بلکه شایستگی و آمادگی لازم دارد .

این بحث را با ذکر دو روایت پایان می دهیم .

(۷۴) راز خوشبختی

ص:۷۴

نخست این که از امام صادق نقل شده : « ما اَنْعَمَ اللّهُ عَلی عَبْدٍ بِنِعْمَهٍ فَسَلَبَها اِیّاهُ حَتّی یُذْنِبَ ذَنْبا یَسْتَحِقُّ بِذلِکَ السَّلْبِ : خداوند هیچ نعمتی که به بنده ای بخشیده از او نمی گیرد مگراین که گناهی کند که به خاطر آن مستحق سلب آن نعمت شود »(۱)

در حدیث دیگری از آن امام می خوانیم : « خداوند پیامبری را مأمور کرد که این سخن را به قوم خود بگوید که هیچ جمعیّت و گروهی که در پرتو اطاعت من در خوشی و آسایش بوده انـد از آن چه موجب رضایت من است تغییر حالت نداده اند مگر این که من هم آن ها را از آن چه دوست می دارنـد به آن چه ناخوش دارنـد تغییر حال داده ام و هر گروه و خانواده ای که به خاطر معصیت گرفتار ناراحتی بوده انـد ، سپس از آن چه موجب عدم رضایت من است تغییر موضع داده اند من هم آن ها را به آن چه دوست دارند رسانده و تغییر موضع

۱- « نور الثقلین » ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۳ .

داده ام » (۱)

جبر سرنوشت و جبر تاریخ و سایر جبرها ممنوع

موضوع مهّم دیگری که از آیه فوق به روشنی استفاده می شود این است که انسان سرنوشت خاصّی که از پیش تعیین شده باشد ندارد و تحت تأثیر « جبر تاریخ » و « جبر زمان » و « محیط » نیست ، بلکه عامل سازنده تاریخ و زندگی انسان دگرگونی هایی است که در روش و اخلاق و فکر و روح او به اراده خودش پیدا می شود .

بنابراین آن ها که معتقد به قضا و قدر جبری هستند و می گویند همه حوادث به خواست اجباری پروردگار است با آیه فوق محکوم می شوند و همچنین جبر مادّی که انسان را بازیچه دست غرایز تغییرناپذیر و اصل وراثت می دانند و یا جبر محیط که او را محکوم چگونگی اوضاع اقتصادی و شرایط تولید می داند از نظر

۱- « نور الثقلین » ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۳ .

مکتب اسلام و قرآن بی ارزش و نادرست است ، انسان آزاد است و سرنوشت خود را به دست خویش می سازد .

(۷۶) راز خوشبختی

انسان ، با توجّه به اصلی که در آیه فوق خواندیم ، زمام سرنوشت و تاریخ خود را در دست دارد که برای خود افتخار و پیروزی می آفریند و اوست که خود را گرفتار شکست و ذلت می سازد ، درد او از خود اوست و دوای او به دست خودش تا در وضع او دگرگونی پیدا نشود و با خودسازی خویشتن را عوض نکند تغییری در سرنوشتش پیدا نخواهد شد.(۱)

دعا عامل توسعه رزق است

« وَ اِذْ قالَ اِبْرهیمُ رَبِّ اجْعَلْ هـذا بَلَدا امِنا وَارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ امَنَ مِنْهُمْ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْاخِرِ قالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَاُمَتِّعُهُ قَلیلاً ثُمَّ اَضْطَرُّهُ اِلى عَذابِ النّارِ وَ

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۷ ، ذیل آیه مورد بحث .

بِئْسَ الْمَصیرُ :(۱)

راز خوشبختی (۷۷)

(و بیاد آورید) هنگامی که ابراهیم عرض کرد : پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را آن ها که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده اند از ثمرات (گوناگون) روزی ده (ما این دعای ابراهیم را به اجابت رساندیم و مؤمنان را از انواع برکات بهره مند ساختیم) اما به آن ها که کافر شدند بهره کمی خواهیم داد ، سپس آن ها را به عذاب آتش می کشانیم و چه بد سرانجامی دارند» .

در این آیه ابراهیم دو درخواست مهم از پروردگار برای ساکنان سرزمین مقدس مکه می کند که به یکی از آن ها در آیه قبل نیز اشاره شد .

قرآن می گوید : « به خاطر بیاورید هنگامی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این سرزمین را

ص:۷۸

۱- ۱۲۶ / بقره .

شهر امنی قرار ده » (وَ اِذْ قالَ اِبْرهیمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَدا امِنا) .

و همان گونه که در آیه قبل خواندیم این دعای ابراهیم را به اجابت رسید ، خدا این سرزمین مقدس را یک کانون امن و امان قرار داد و امنیتی از نظر ظاهر و باطن به آن بخشید .

دومین تقاضایش این است که : « اهل این سرزمین را آن ها که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده اند از ثمرات گوناگون روزی ببخش » (وَارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ امَنَ مِنْهُمْ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْاخِرِ) .

جالب این که ابراهیم نخست تقاضای « امنیت » و سپس درخواست « مواهب اقتصادی » می کند و این خود اشاره ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکمفرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست .

در این که منظور از ثمرات چیست؟ مفسران گفتگوها دارند، ولی ظاهرا ثمرات

یک معنی وسیع دارد که هر گونه نعمت مادی، اعم از میوه ها و مواد دیگر غذایی و نعمت های معنوی را شامل می شود ، در حدیثی از امام صادق می خوانیم که فرمود : « هی ثمرات القلوب : منظور میوه دل ها است » اشاره به این که خداوند محبت و علاقه مردم را به مردم این سرزمین جلب می کند .

این نکته نیز قابل توجه است که ابراهیم این تقاضا را تنها برای مؤمنان به توحید و روز جزا می کند ، شاید به خاطر این که از جمله « لا ینال عهد الظالمین » در آیات گذشته به این حقیقت پی برده بود که گروهی از نسل های آینده او ، راه شرک و ظلم و ستم می پویند و او در این جا ادب را رعایت کرد و آن ها را از دعای خود استثناء نمود .

به هر حال خداوند در پاسخ این تقاضای ابراهیم چنین فرمود : « اما آن ها که راه کفر را پوئیده اند بهره کمی (از این ثمرات) به آن ها خواهم داد » (و به طور کامل محروم نخواهم کرد) » (قالَ وَ مَنْ کَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلیلاً) .

(۸۰) راز خوشبختی

ص:۸۰

اما در سرای آخرت « آن ها را به عذاب آتش می کشانم و چه بد سرانجامی دارند » (ثُمَّ اَضْطَرُّهُ اِلی عَذابِ النّارِ وَ بِئْسَ الْمَصیرُ) .

این در واقع صفت « رحمانیت » همان رحمت عامه پروردگار است که از خوان نعمت بی دریغش همه بهره می گیرند و از خزانه غیبش خوبان و بدان وظیفه خور باشند، ولی سرای آخرت که سرای رحمت خاص او است ، رحمت و نجاتی برای آن ها نیست (۱)

استقامت و نماز دو وسیله اساسی برای نیل به خوشبختی است

« یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اسْتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلوهِ اِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرینَ (۲)

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۱ ، ذیل آیه شریفه .

۲- ۱۵۳ / بقره .

ای افراد باایمان از صبر (و استقامت) و نماز (در برابر حوادث سخت زند گی) کمک بگیرید (زیرا) خداوندباصابران است»
.

بـا این دو نیرو (اسـتقامت و تـوجه به خـدا) به جنـگ مشـکلات و حـوادث سـخت برویـد که پیروزی از آن شـما است « زیرا خداوند باصابران است » (اِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرینَ) .

به عکس آن چه بعضـی تصور می کننـد ، « صبر » هرگز به معنی تحمل بدبختی ها و تن دادن به ذلت و تسـلیم در برابر عوامل شکست نیست ، بلکه صبر و شکیبایی به معنی پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و هر حادثه است .

لذا بسیاری از علمای اخلاق برای « صبر » سه شاخه ذکر کرده اند :

صبر بر اطاعت (مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه طاعت وجود دارد) .

صبر بر معصیت (ایستادگی در برابر انگیزه های گناه و شهوات سرکش و طغیانگر) .

و صبر بر مصیبت (پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم خودباختگی و شکست روحی و ترک جزع و فزع) .

کمتر موضوعی را در قرآن می توان یافت که مانند « صبر » تکرار و مورد تأکید قرار گرفته باشد ، در قرآن مجید در حدود هفتاد مورد از « صبر » ، سخن به میان آمده که بیش از ده مورد از آن به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد .

تاریخ مردان بزرگ گواهی می دهد که یکی از عوامل مهم یا مهم ترین عامل پیروزی آنان استقامت و شکیبایی بوده است ، افرادی که از این صفت بی بهره اند در گرفتاری ها بسیار زود از پا درمی آیند و می توان گفت نقشی را که این عامل در پیشرفت افراد و جامعه ها ایفا می کند ، نه فراهم بودن امکانات دارد و نه استعداد و هوش و مانند آن .

به همین دلیل در قرآن مجید روی این موضوع با مؤکدترین بیان تکیه شده است ،

راز خوشبختی (۸۳)

آن جا که می گوید : « اِنَّما یُوَفَّی الصّابِرُونَ اَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسابٍ :(۱)صابران پاداش خود را بی حساب می گیرند » .

و در مورد دیگر بعـد از ذکر « صبر در برابر حوادث » می خوانیم : « اِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ :(۲)این کار از محکم ترین کارها است » .

اصولاًـ ویژگی اسـتقامت و پایمردی ، این است که فضائل دیگر بـدون آن ارج و بهایی نخواهـد داشت که پشـتوانه همه آن ها صبر است و لذا در « نهج البلاغه » در « کلمات قصار » می خوانیم : « وَ عَلَیْکُمْ بِالصَّبْرِ ، فَاِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْایمانِ کَالرَّأْسِ

(۸۴) راز خوشبختی

مِنَ الْجَسَـدِ وَ لاـ خَیْرَ فی جَسَـدٍ لاـ رَأْسَ مَعَهُ وَ لا فِی الْایمانِ لا صَبْرَ مَعَهُ : بر شـما باد به صبر و اسـتقامت که صبر در برابر ایمان همچون سر است در مقابل تن ، تن بی سر فایده ای ندارد ، همچنین ایمان بدون صبر ناپایدار و بی نتیجه است » .

۱- ۱۰ / زمر .

۲- ۱۷ / لقمان .

در روایات اسلامی عالی ترین صبر را آن دانسته اند که به هنگام فراهم آمدن وسایل عصیان و گناه انسان مقاومت کند و از لذت گناه چشم بپوشد .

در آیه مورد بحث مخصوصا به مسلمانان انقلابی نخستین که دشمنان نیرومند و خونخوار و بی رحم از هر سو آن ها را احاطه کرده بودند ، دستور داده شده است که در برابر حوادث مختلف از قدرت صبر و پایمردی کمک بگیرند ، که نتیجه آن استقلال شخصیت و اتکاء به خویشتن و خودیاری در پناه ایمان به خدا است و تاریخ اسلام این حقیقت را به خوبی نشان می دهد که همین اصل اساسی پایه اصلی همه پیروزی ها بود .

موضوع دیگری که در آیه بالا به عنوان یک تکیه گاه مهم در کنار صبر ، معرفی شده « صَلوه » (نماز) است ، لذا در احادیث اسلامی می خوانیم : « کانَ عَلِیٌّ (ع) اِذا اَهالَهُ اَمْرٌ فَزَعٌ قامَ اِلَی الصَّلوهِ ثُمَّ تَلی هذِهِ الْآیَهَ وَ اسْتَعینُوابِالصَّبْرِ وَ الصَّلوهِ ...:

راز خوشبختی (۸۵)

هنگامی که علی با مشکلی روبرو می شد به نماز برمی خاست و پس از نماز به دنبال حل مشکل می رفت و این آیه را تلاوت می فرمود : «وَاسْتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلوهِ...» (۱)

ص:۸۵

۱- « المیزان » ، جلد اول ، صفحه ۱۵۴ .

از این موضوع هرگز نباید تعجب کرد ، زیرا هنگامی که انسان در برابر حوادث سخت و مشکلات طاقت فرسا قرار می گیرد و نیروی خود را برای مقابله با آن ها ناچیز می بینـد ، نیاز به تکیه گاهی دارد که از هر جهت نامحـدود و بی انتها باشـد ، نماز او را با چنین مبدئی مربوط می سازد و با اتکاء بر او می تواند با روحی مطمئن و آرام امواج سهمگین مشکلات را درهم بشکند.

بنابراین آیه فوق در حقیقت به دو اصل توصیه می کند یکی اتکای به خداوندکه

نماز مظهر آن است و دیگری مسأله خود یاری و اتکای به نفس که به عنوان صبر از آن یاد شده است.(۱)

راز توسعه و خوشبختی جوامع

قرآن کریم در بیان یکی از سنّت های حاکم بر جامعه و تاریخ می فرماید :

وَ اَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَاَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقا : و اگر جامعه ها و تمدن ها بر راه راست و خداپسندانه و خردمندانه پایداری و پایمردی ورزند بی تردید آبی گوارا و بسیار فراوان به آنان می نوشانیم » .

بسیاری از مفسرین معتقدند که «پایداری در راه» در آیؤ مورد بحث به پایداری در

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۱ ، ذیل آیه شریفه .

ایمـان و پروا و رعایت مقررات خـدا و حقوق مردم تفسـیر گردد؛ چرا که این مناسب ترین تفسـیر برای آیه است. افزون بر این تفسـیر و دریـافت، آیه در مقـام دلجـویی و مهرورزی به انسـان هـا و فراخوان آنـان به سوی ایمـان و عمـل شایسـته و ترغیب و انگیزش آنان به قانون گرایی و فرمانبرداری از خداست.

«ابو بصـیر» آورده است که به امام باقر(ع) گفتم: سـرورم! در تفسیر این آیه چه می گویید که می فرماید: وَ اَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ...

آن حضرت فرمود : این راه مترقی و سعادت آفرین و توسعه بخش، همان مذهب خاندان پیامبر است که شما در آن هستید .

هُوَ وَاللّهِ مااَنْتُمْ عَلَیْهِ...(۱)

۱- نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۳۸.

امام صادق علیه السلام می فرماید : اگر آنان بر راه قرآن و عترت پایداری ورزند درهای دانش و بینش و نعمت های معنوی را به وسیله امامان معصوم بر روی آنان می گشاییم تا آنان که می خواهند به اندازه توان و لیاقت خویش بهره ور گردند.

...لَأَفَدْناهُمْ عِلْما کَثیرا یَتَعَلَّمُونَهُ مِنَ الْأَئِمَّهِ(1)

نکته قابـل توجه این که در آیه این است که اولاً ـ می فرمایـد : ما باران رحمت خود را بر آن ها فرو می باریم و منابع و چشـمه هـای آب حیات بخش را در اختیارشان می گـذاریم و آن جا که آب فراوان است همه چیز فراوان است و به این ترتیب آن ها را مشمول انواع نعمت ها قرار می دهیم .

راز خوشبختی (۸۹)

ثانیـا : اشـاره می کنـد که آن چه مـایه وفور نعمت می شود ، « اسـتقامت بر ایمان » است نه « اصل ایمان » ، زیرا ایمان موقت و زودگذرنمی تواند چنین برکاتی از خود نشان

ص:۸۹

۱- نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص۳۹۳.

دهد،مهم استقامت برایمان و تقوی است که پای بسیاری در آن لنگ و لرزان است .(۱)

بررسی علت بدبختی انسان

قرآن کریم در آیه ۳۰ سوره شوری می فرماید : « وَ ما اَصابَکُمْ مِنْ مُصیبَةٍ فَبِما کَسَبَتْ اَیْدیکُمْ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثیرٍ : هر مصیبت و گرفتاری که به شما می رسد دستاورد و ثمره اعمال خودتان است تازه این تمام مجازات اعمال شما نیست چراکه بسیاری از کارهای شما را مورد عفو قرار می دهد » .

این آیه به خوبی نشان می دهد ، مصائبی که دامن گیر انسان می شود،یک نوع مجازات الهی و هشدار است (هرچند استثنائاتی دارد که بعد به آن اشاره خواهد شد) و به این ترتیب یکی از فلسفه های حوادث دردناک و مشکلات زندگی روشن می شود .

جالب این که درحدیثی ازامیرمؤمنان علی می خوانیم،که ازپیامبرگرامی خدا صلی الله علیه و آله

۱- تفسیر نمونه از انتشارات دارالکتب اسلامیه جلد ۲۵ صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲.

نقل می کند که فرمود :

« خَیْرُ اآیَهٍ فی کِتابِ اللّهِ هـذِهِ الْایَهُ ، یا عَلِیُّ ما مِنْ خَـدْشِ عُودٍ وَ لا نَکْبَهِ قَدَمٍ اِلّا بِذَنْبٍ وَ ما عَفَی اللّهُ عَنْهُ فِی الدُّنْیا فَهُوَ اَکْرَمُ مِنْ اَنْ یَعُودَ فیهِ وَ مـا عـاقَبَ عَلَیْهِ فِی الـدُّنْیا فَهُوَ اَعْـدَلُ مِنْ اَنْ یُثَنّی عَلی عَبْـدِه: این آیه (وَ مـا اَصابَکُمْ مِنْ مُصـیبَهٍ ...)بهترین آیه در قرآن مجیـد است ، ای علی هر خراشـی که از چوبی بر تن انسان وارد می شود و هر لغزش قدمی ، بر اثر گناهی است که از او سرزده و آن چه خداونـد در دنیا عفو می کند، گرامی تر از آن است که (در قیامت) درآن تجدید نظر فرماید و آن چه را که در این دنیا عقوبت فرموده ، عادل تر از آن است که در آخرت بار دیگر کیفر دهد » .(۱)

و به این ترتیب این گونه مصائب علاوه بر این که بار انسان را سبک می کند ، او را نسبت به آینده کنترل خواهد نمود .

۱- « مجمع البیان » ، جلد ۹ ، صفحه ۳۱ ، ذیل آیات مورد بحث .

گرفتاری ها همیشه نتیجه رفتار اشخاص نیست

گرچه ظاهر آیه عام است و همه مصائب را دربر می گیرد، ولی مطابق معمول در عمومات ، استثناهایی وجود دارد ، مانند مصائب و مشکلاتی که دامن گیر انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام می شد که برای ترفیع مقام آن ها بود ، یا گرفتاری بسیاری همانند کودکان و یا افرادی که مسؤول شناخته نمی شوند .

و هم چنین مصائبی که بر اثر نـدانم کاری ها و عدم دقت ومشورت و سهل انگاری در امور حاصل می شود ، که اثر تکوینی اعمال خود انسان ها است و یا مصائبی که گریبان غیر معصومین را می گیرد و جنبه آزمون دارد . قرآن کریم در این باره می فرماید : « وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْاَمْوالِ وَ الْاَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصّابِرینَ (۱)به درستی که شما را از طریق انواع ترس و گرسنگی و کمبودهای مادی

ص:۹۲

۱- ۱۵۵ / بقره .

و جسـمی و محصولات موردامتحـان قرارمی دهیم و بشـارت بادبرکسانی که این آزمون الهی راباصبر و بردباری پشت سـرمی گذارند ».

به تعبیر دیگر جمع میان آیات مختلف قرآن و روایات ایجاب می کنـد که عموم این آیه در مواردی تخصـیص پیدا کند. اما از آن جا که بیشتر موارد آن جنبه کیفری و کفاره ای دارد ، آیه ۳۰ سوره شوری آن را به صورت عموم مطرح ساخته است .

فلسفه گرفتاری های سخت

با این بیان نمی توان گفت هر گرفتاری و رنجی کیفر گناه است ، چراکه گرفتاری های سـخت ، فلسـفه های گوناگونی دارند که از آن جمله عبارتند از :

۱ شکوفایی استعدادها و توانمندی های درونی و برونی انسان،

۲ هشدار نسبت به آینده او ،

۳ بیداری از خواب غفلت و غرور و هشیاری از انواع مستی ها،

۴ کیفر گناهان ،

۵ بخش مهمی نیز ثمره ندانم کاری ها و سهل انگاری های انسان در زندگی است .

۶ اصل آزمون در زندگی انسان، (۱)

و لـذا در حـدیثی می خوانیم : هنگامی که امام علی بن الحسین وارد بر یزیـد شد ، یزید نگاهی به او کرد و گفت: « یا عَلِیُّ ما اَصابَکُمْ مِنْ مُصیبَةٍ فَبِماکَسَبَتْ اَیْدیکُمْ » (اشاره به این که حوادث کربلا نتیجه اعمال خود شما بود) .

ولی امام علی بن الحسین فورا در پاسخ فرمود : « کَلّا ما هذِه فینا نَزَلَتْ ، اِنَّما نَزَلَ فینا "ما اَصابَ مِنْ مُصیبَةٍ فِی الْاَرْضِ وَ لا فی اَنْفُسِکُمْ اِلّا فی کِتابٍ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَبْرَأَها اِنَّ ذلِکَ عَلَی اللّهِ یَسیرٌ لِکَیْلا تَأْسَوْا عَلی مافاتَکُمْ وَ لاتَفْرَحُوا بِما

۱- « مجمع البیان » ، جلد ۲۵ ، صفحه ۱۲۸ و ۱۲۹ .

آتاکُمْ "(۱)فَنَحْنُ الَّذینَ لانَأْسی عَلی مافاتَنا مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَ لا نَفْرَحُ بِما اوُتینا:(۲)

چنین نیست ، این آیه در مورد ما نازل نشده ، آن چه درباره ما نازل شده آیه دیگری است که می گوید : هر مصیبتی در زمین یا در جسم و جان شما روی دهد ، پیش از آفرینش شما در کتاب (لوح محفوظ) بوده و آگاهی براین امر بر خداوند آسان است ، این برای آن است که شما به خاطر آن چه از دست می دهید ، غمگین نشوید و به خاطر آن چه در دست دارید ، زیاد خوشحال نباشید (هدف از این مصائب عدم دلبستگی شما به مواهب زودگذر دنیااست و یک نوع تربیت و آزمون برای شما است) .

راز خوشبختی (۹۵)

سپس امام افزود: « ما کسانی هستیم که هرگز به خاطر آن چه از دست داده ایم، غمگین نخواهیم شد و به خاطر آن چه در دست داریم، خوشحال نیستیم "همه را زودگذرمی دانیم و چشم به لطف و عنایت خدا بسته ایم" » .

۱- ۲۲ و ۲۳ / حدید .

۲- « نور الثقلین » ، جلد ۴ ، صفحه ۵۸۰ .

هنگامی که از امام صادق تفسیر آیه فوق را خواستند ، فرمود : « می دانید علی و اهلبیتش بعد از او گرفتار مصائبی شدند ، آیا به خاطر اعمالشان بود؟ در حالی که آن ها اهل بیت طهارتند و معصوم از گناه » ، سپس افزود : « اِنَّ رَسُولَ اللّهِ کانَ یَتُوبُ اِلَی اللّهِ وَ یَسْتَغْفِرُ فی کُلِّ یَوْمٍ وَ لَیْلَهٍ مِأَهَ مَرَّهٍ مِنْ غَیْرِ ذَنْبٍ اِنَّ اللّهَ یَخُصُّ اَوْلِیائَهُ بِالْمَصائِبِ لِیَأْجُرَ هُمْ عَلَیْها مِنْ غَیْرِ ذَنْبٍ: رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته توبه می کرد و در هرشبانه روز صدبار استغفار می نمود، بی آن که گناهی مرتکب شده باشد ، خداوند برای اولیاء و دوستانش مصائبی قرار می دهد تا به خاطر صبر در برابر آن از او پاداش گیرند ، بی آن که گناهی مرتکب شده باشند » . (۱)

مصیبت ها محصول گناهان جمعی و فردی انسان هاست

گاه مصائب ، جنبه دستجمعی دارد و محصول گناهان جمعی است، همان گونه که

۱- « نور الثقلین » ، جلد ۴ ، صفحه ۵۸۱ .

در آیه ۴۱ سوره روم می خوانیم : « ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ اَیْدِی النّاسِ لِیُذیقَهُمْ بَعْضَ الَّذی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ : فساد در خشکی و دریا به خاطر اعمال مردم آشکار شد ، تا نتیجه بعضی از اعمالی را که انجام داده اند ، به آن ها بچشاند ، شاید بازگردند » .

روشن است که این درباره جوامع انسانی است ، که به خاطر اعمالشان گرفتار نابسامانی ها می شوند .

و در آیه ۱۱ سوره رعد آمده است : « اِنَّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِاَنْفُسِهِمْ : خداوند سرنوشت هیچ جمعیتی را تغییر نمی دهد ، مگر این که خویشتن را تغییر دهند » .

و امثال این آیات که گواهی می دهد ، در میان اعمال انسان و نظام تکوینی زندگی او ارتباط و پیوندنزدیکی وجود دارد ، که اگر بر اصول فطرت و قوانین آفرینش گام بردارند ، برکات الهی شامل حال آن ها می شود و هرگاه فاسد شوند ، زندگی

آن ها به فساد می گراید .

راز خوشبختی (۹۷)

و گاه ممکن است این قضیه در مورد فرد فرد انسان ها صادق شود و هر کس در مقابل گناهی که مرتکب می شود ، به مصیبتی در جسم و جان یا اموال و متعلقاتش گرفتار گردد ، همان طور که در آیه فوق آمده است .(۱)

راز بدبختی از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی و امام صادق علیهم السلام

در همین زمینه روایات زیادی در منابع اسلامی وارد شده که به گوشه ای از آن برای تکمیل این بحث اشاره می کنیم :

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود : « خَمْسٌ بِخَمْسٍ، قیلَ ما خَمْسٌ بِخَمْسٍ یا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ: ما یُخْلِفُ قَوْمٌ الْعَهْدَ اِلاّ یُسَلِّطُ اللّهُ عَلَیْهِمْ عَدُوَّهُمْ، وَ ما حَکَمُوا بِغَیْرِ ما اَنْزَلَ اللّهُ اِلاّ فَشا فیهِمُ الْفَقْرُ وَ ما ظَهَرَتْ فیهِمُ الْفاحِشَةُ اِلاّ فَشی فیهِمُ

۱- « المیزان » ، جلد ۱۸ ، صفحه ۶۱ .

الْمَوْتُ، وَ ما طَفَّفُوا الْكَيْلَ اِلاّ مُنِعُوا النَّباتَ، وَ اُخِذُوا بِالسِّنِيْنَ، وَ ما مَنَعُوا الزَّكوةَ اِلاّ حُبِسَ عَنْهُمُ الْمَطَرُ([1])

(۹۸) راز خوشبختی

پیامبر گرامی هشدار داد که پنج گناه و زشتکاری اجتماعی است که به طور طبیعی پنج کیفر و واکنش را در پی خواهد داشت ؛

پرسیدند ای پیامبرخدا! کدامین گناهان و چگونه؟

فرمود: در هیچ جامعه ای پیمان شکنی رواج نیافت، جز اینکه خدا دشمن را بر او مسلّط ساخت و هیچ تمدنی به خودکامگی و قانون شکنی و ناروا حکومت و داوری نکرد، جز اینکه فقر و بدبختی برآن سایه افکند و در میان هیچ ملّتی زشتی و زنا رواج نیافت مگر اینکه مرگ زودرس در آن بسیار شد، و در میان هیچ مردمی کم فروشی و ستم اقتصادی گسترش نیافت، جز اینکه به خشکسالی و قحطی گرفتار آمدند، و

۱- مواعظ العَدَدِیَّه، ص ۱۵۴.

سرانجام اینکه هیچ جامعه ای پرداخت زکات و حقوق محرومان را واننهاد، جز این که باران رحمت از آنها بازداشته شد .

ششمین امام نور در این مورد می فرماید.

«مَنْ یَمُوتُ بِالـذُّنُوبِ اَکْثَرُ مِمَّنْ یَمُوتُ بِالْاجـالِ: آن کسـانی که به کیفر طبیعی گنـاه می میرنـد و به مرگ زودرس گرفتـار می گردند، بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی می میرند.(۱)

در کتاب کافی اصولاً بابی برای این موضوع منعقد شده و ۱۲ حدیث در همین زمینه در آن آمده است .

در خطبه ۱۷۸ نهـج البلاغه آمـده است : « ما کانَ قَوْمٌ قَطُّ فی غَضِ نِعْمَهٍ مِنْ عَیْشٍ، فَزالَ عَنْهُمْ ، اِلّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوها ، لِاَنَّ اللّهَ لَیْسَ بِظَلّامٍ لِلْعَبیدِ وَ لَوْ اَنَّ النّاسَ

۱- مجمع البیان ، جلد ۲۱ و ۲۲ صفحه ۱۶۱.

حینَ تَنْزِلُ بِهِمُ النِّقَمُ وَ تَزُولُ عَنْهُمُ النِّعَمُ ، فَزِعُوا اِلی رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِیّاتِهِمْ وَ وَلَهٍ مِنْ قُلُوبِهِمْ ، لَرَدَّ عَلَیْهِمْ کُلَّ شارِدٍ وَ اَصْلَحَ لَهُمْ کُلَّ فاسِدٍ : « هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد ، مگر به واسطه گناهانی که انجام دادند زیرا خداوند هرگز به بندگانش ستم روا نمی دارد ، هرگاه مردم در موقع نزول بلاها و سلب نعمت ها با صدق نیّت به پیشگاه خدا تضرع کنند و با دل های پر اشتیاق و آکنده ازمهرخدا ازاو درخواست جبران نمایند مسلما آن چه از دستشان رفته به آن ها بازمی گرداند و هرگونه مفسده ای را برای آن ها اصلاح می کند » .

در « جامع الاخبار » حدیث دیگری از امیر مؤمنان علی نقل شده است که فرمود : « اِنَّ الْبَلاءَ لِلظّالِمِ اَدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحانٌ وَ لِلْاَنْبیاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْاَوْلِیاءِ کَرامَةٌ : بلاها برای ظالم تأدیب است و برای مؤمنان امتحان و برای

ص:۱۰۱

پیامبران درجه و برای اولیاء کرامت و مقام است » (۱)

راز خوشبختی (۱۰۱)

این حدیث شاهد گویایی است برای آن چه در مورد استثناهای آیه بیان کردیم .

درحدیث دیگری در « کافی » از حضرت امام صادق آمده است که فرمود : « اِنَّ الْعَبْدَ اِذا کَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَمْ یَکُنْ عِنْدَهُ مِنَ الْعَمَلِ ما یُکَفِّرُها ، اِبْتَلاهُ بِالْحُزْنِ لِیُکَفِّرَها : هنگامی که انسان گناهش افزون شود و اعمالی که آن را جبران کند ، نداشته باشد، خداوند او را گرفتار اندوه می کند تا گناهانش را تلافی کند » (۲)

(۱۰۲) راز خوشبختی

تازه همه این ها غیر از گناهانی است که خداوند طبق صریح آیه ۳۰ سوره شوری مشمول عفو و رحمتش قرار می دهد ، که آن نیز به نوبه خود بسیار است .

ص:۱۰۲

۱- « بحار الانوار » ، جلد ۸۱ ، صفحه ۱۹۸ .

۲- « کافی » جلد ۲ ، کتاب « الایمان و الکفر » بابُ تَعْجیلِ عُقُوبَهِ الذَّنْبِ ، حدیث ۲ .

آیا باید در مقابل مصائب و مشکلات تسلیم شد ؟

ممکن است کسانی از این حقیقت قرآنی سوء استفاده کنند و هر گونه مصیبتی دامنشان را می گیرد ، با آغوش باز از آن استقبال نمایند و بگویند باید در برابر هر حادثه ناگواری تسلیم شد و ازاین اصل آموزنده و حرکت آفرین قرآنی نتیجه معکوس ، یعنی نتیجه تخدیری بگیرند که این بسیار خطرناک است .

هیچ گاه قرآن نمی گوید در برابر مصائب تسلیم باش و در رفع مشکلات کوشش مکن و تن به ظلم ها و ستم ها و بیماری ها بده ، بلکه می گوید : اگر با تمام تلاش و کوششی که انجام دادی باز هم گرفتاری ها بر تو چیره شد ، بدان گناهی کرده ای که نتیجه و کفّاره اش دامانت را گرفته ، به اعمال گذشته ات بیندیش و از گناهانت استغفارکن و خویشتن را بساز و ضعف هارا اصلاح نما . و اگر می بینیم در بعضی از روایات ، این آیه

ص:۱۰۳

بهترین آیه قرآن معرفی شده ، به خاطر همین آثار تربیتی مهم آن است .(1)

بخل عامل اسارت و بدبختی است

« وَ لا یَحْسَبَنَّ الَّذینَ یَبْخَلُونَ بِما اتیهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَیْرا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَیُط-وَّق-ُونَ ما بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیمَهِ وَ لِلّهِ میراثُ السَّمواتِ وَ الاَْرْضِ وَ اللّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ:(2)کسانی که بخل می ورزنـد و آن چه را خـدااز فضل خویش به آنان داده ، انفاق نمی کنند ، گمان نکنند این کار به سود آن ها است ، بلکه برای آن ها شرّ است ، به زودی در روز قیامت ، آن چه را نسبت به آن بخل ورزیدنـد ، هماننـد طوقی به گردنشان می افکنند و میراث آسـمان ها و زمین ، از آن خدا است و خداوند ، از آن چه انجام

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۲۰ صفحه ۴۴۶ .

۲- ۱۸۰ / آل عمران .

می دهید ، آگاه است» .

طوق سنگین اسارت سرنوشت محتوم بخیلان است

آیه فوق ، سرنوشت بخیلان را در روز رستاخیز ، توضیح می دهد ، همان ها که در جمع آوری و حفظ ثروت می کوشند و از انفاق کردن در راه بندگان خدا ، خودداری می کنند. گرچه درآیه، نامی از زکات و حقوق واجب مالی برده نشده ، ولی در روایات اهل بیت علیهم السلام و هم چنین در گفتار مفسّران ، آیه به مانعان زکات تخصیص داده شده است و تشدیدهایی که در آیه به چشم می خورد ، نیز دلیل بر این است که منظور انفاق مستحبی نیست .

آیه می گوید : « افرادی که بخل می ورزند و از آن چه خداوند از فضل خود به آن هاداده در راه اونمی دهند ، تصوّر نکنند به سود آن ها است : وَ لا يَحْسَبَنَّ الَّذينَ يَبْخَلُونَ بِما اتيهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ » .

« بلکه (برخلاف تصوّر آن ها) این کار به زیان آن ها تمام می شود : بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ » .

سپس سرنوشت آن ها را در روز رستاخیز ، چنین توصیف می کند : « به زودی اموالی را که در مورد آن بخل ورزیدند ، همانند طوقی در گردنشان می افکنند : سَیُطَوَّق ُونَ ما بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیمَهِ » .

از این جمله استفاده می شود اموالی که حقوق واجب آن پرداخت نشده و اجتماع ، از آن بهره ای نگرفته است و تنها در مسیر هوس های فردی و گاهی مصارف جنون آمیز به کارگرفته شده و یا بی دلیل روی هم انباشته گردیده و هیچ کس از آن استفاده نکرده ، همانند سایر اعمال زشت انسان ، در روز رستاخیز طبق قانون « تجسم اعمال » تجسم می یابد و به صورت وسیله عذاب دردناکی درخواهد آمد .

تجسّم این گونه اموال به طوقی که بر گردن می افتد اشاره به این حقیقت است که انسان تمام سنگینی مسؤولیت آن ها را تحمل خواهد کرد بدون این که از آثار آن بهره مند گردد ، اموال سرشاری که به طور جنون آمیز جمع آوری و نگاهداری گردد و در خدمت اجتماع نباشد جز زنجیر و زندان ، برای صاحب آن چیزی نیست زیرا

می دانیم بهره گیری شخصی از مال و ثروت ، حدود معینی دارد و از آن که بگذرد جز یک نوع اسارت و سنگینی بیهوده نتیجه ای نخواهد داشت مگر این که از برکات معنوی آن برخوردار و در مسیر کارهای مثبت قرار گیرد .

این گونه اموال نه تنها در قیامت طوق سنگینی بر گردن صاحبانش خواهد بود بلکه در این دنیا چنین است ، منتها در رستاخیز آشکارا و در این جا به صورت مخفی تر می باشد ، چه جنون و حماقتی از این بالاتر که انسان مسؤولیت های فراوان تحصیل ثروت را به اضافه مسؤولیت ها و زحمات فراوان که برای حفظ و محاسبه و نگهداری و دفاع از آن لازم است بر دوش کشد ، درحالی که هیچ گونه از آن منتفع نگردد آیا طوق اسارت چیزی جز این است ؟

در تفسیر عیاشی از امام باقر روایت شده که « هرکس زکات مال خود را نپردازد خدا آن مال را به طوق هایی از آتش مبدّل می کند ، سپس به او گفته می شود که همان طور که در دنیا به هیچ قیمت ، این اموال را از خود دور نمی کردی اکنون آن ها را

ص:۱۰۷

بردار و به گردن خود بیفکن » .

راز خوشبختی (۱۰۷)

قابل توجه این که : در آیه ، از مال ، تعبیر به « ما اتیهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ » شده که مفهوم آن این است که مالک حقیقی ، اموال و منابع درآمد ، خدا است و آن چه به هرکس داده شده از فضل و کرم او است ، بنابراین جای این نیست که کسی از انفاق در راه مالک حقیقی ، بخل بورزد. بعضی از مفسران ، معتقدند که مفهوم این جمله عمومیت دارد و همه مواهب الهی حتی علم و دانش را شامل می شود ، ولی این احتمال با ظاهر تعبیرات آیه تطبیق نمی کند .

سپس آیه اشاره به یک نکته دیگر می کند و می گوید : این اموال ، چه در راه خدا و بندگان او انفاق شود یا نشود ، بالاخره از صاحبان آن جدا خواهد شد « و خداوند وارث همه میراث های زمین و آسمان خواهد بود : وَ لِلّهِ میراثُ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ » .

اکنون که چنین است چه بهتر که پیش از جدا شدن از آن ها ، از برکات معنوی آن بهره مند گردند ، نه تنها از حسرت و مسؤولیت آن .

(۱۰۸) راز خوشبختی

ص:۱۰۸

و درپایان آیه می فرماید: « خدااز اعمال شما آگاه است : وَ اللّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ » .

بنـابراین اگر بخـل بورزیـد می دانـد و اگر در راه کمک به جامعه انسانی از آن اسـتفاده کنیـد آن را نیز می دانـد و به هرکس پاداش مناسبی خواهد داد (۱)

سلامت اجتماع وابسته به سلامت اقتصاد است

« یـا اَیُّهَـا الَّذینَ آمَنُوا لاـ تَأْکُلُوا اَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ اِلاّ اَنْ تَکُونَ تِجارَهً عَنْ تراضٍ مِنْکُمْ وَ لا تَقْتُلُوا اَنْفُسَـکُمْ اِنَّ اللّهَ کانَ بِکُمْ رَحیما :(۲) ای کسانی که ایمان آورده ایـد ! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشـروع) نخورید ، مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید ، خداوند نسبت به شما مهربان است » .

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۳ ذیل آیه شریفه .

۲- ۲۹ / نساء .

این آیه در واقع زیربنای قوانین اسلامی را در مسایل مربوط به « معاملات و مبادلات مالی » تشکیل می دهد و به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می کنند ، آیه خطاب به افراد با ایمان کرده و می گوید : « اموال یکدیگر را از طرق نابه جا و غلط و باطل نخورید : یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا اَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ » .

به این ترتیب هرگونه تصرّف در مال دیگری که بدون حقّ و بدون یک مجوز منطقی و عقلایی بوده باشد ممنوع شناخته شده و همه راتحت عنوان « باطل » که مفهوم وسیعی دارد قرارداده است .

می دانیم « باطل » در مقابل « حقّ » است و هر چیزی را که ناحقّ و بی هدف و بی پایه باشد دربرمی گیرد .

در آیات دیگری از قرآن نیز با عبارتی شبیه عبارت فوق ، این موضوع تأکید شده ، مثلاً ـ به هنگام نکوهش از قوم یهود و ذکراعمال زشت آن ها می فرماید: « وَ اَکْلِهِمْ اَمْوالَ

(۱۱۰) راز خوشبختی

ص:۱۱۰

النّاسِ بِالْباطِلِ : آن ها در اموال مردم بدون مجوز و به ناحقّ تصرّف می کردند » (۱)

و در آیـه ۱۱۸ / بقره، جمله « لاـ تَأْكُلُوا اَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ » را به عنـوان مقـدمه ای برای نهی از کشانـدن مردم به وسیله ادعاهای پوچ و بی اساس به سوی دادگاه ها و خوردند اموال آن ها ذکر فرموده است .

بنابراین هرگونه تجاوز ، تقلّب ، غش ، معاملات ربوی ، معاملاتی که حـدّ و حدود آن کاملاً نامشـخص باشد ، خرید و فروش اجناسـی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد ، خرید و فروش وسایل فساد و گناه ، همه در تحت این قانون کلّی قرار دارند و اگر در روایات متعددی ، کلمه « باطل » به قمار و ربا و مانند آن تفسیر شده در حقیقت معرفی مصداق های روشن این کلمه است نه آن که منحصر به آن ها باشد .

شاید نیاز به تذکّر نباشد که تعبیر به « اَكْل » (خوردن) کنایه از هرگونه تصرّف است

راز خوشبختی (۱۱۱)

ص:۱۱۱

۱- (۱۶۱ / نساء) .

خواه به صورت خوردن معمولی باشد یا پوشیدن یا سکونت و یا غیر آن و این تعبیر علاوه بر زبان عربی در فارسی امروز نیز کاملاً رایج است .

در جمله بعد به عنوان یک استثنا می فرماید : « مگر این که تصرّف شما در اموال دیگران از طریق داد و ستدی باشد که از رضایت باطنی دوطرف سرچشمه بگیرد : اِلّا اَنْ تَکُونَ تِجارَةً عَنْ تراضٍ مِنْکُمْ » .

این جمله، استثنایی است ازقانون کلّی سابق، ولی به اصطلاح « استثناء منقطع » (1)است یعنی آن چه در این جمله آمده مشمول قانون سابق ، از آغاز نبوده است و تنها به

۱- استثناء منقطع غالبا برای تأکید عمومیت حکم عام می آید، این معنی در مورد آیه فوق صادق است به علاوه این حقیقت را اعلام می کند که با تحریم تصرفات باطل ، راه زندگی بر شما بسته نیست و می توانید از طریق تجارت مشروع هدف خود را تأمین کنید .

عنوان یک تأکید و یادآوری ذکر شده ، آن هم به نوبه خود یک قانون کلّی است .

طبق این بیان ، تمام مبادلات مالی و انواع تجارت ها که درمیان مردم رایج است چنانچه از روی رضایت طرفین صورت گیرد و جنبه معقول و منطقی داشته باشد از نظر اسلام مجاز است (مگر در مواردی که به خاطر مصالح معینی ، نهی صریح از آن شده است) .

سپس در پایان آیه ، مردم را از قتل نفس بازمی دارد و ظاهر آن به قرینه آخرین جمله آیه نهی از خودکشی و انتحار کرده و می فرماید: « و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است : وَ لا تَقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ اِنَّ اللّهَ كانَ بِكُمْ رَحيما ». یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی شود دیگری شما را به قتل برساند بلکه به خود شما هم اجازه نمی دهد که با رضایت خود خویشتن را به دست نابودی بسپارید .

در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز آیه فوق به همین معنی « انتحار » تفسیر شده است .(۱)

اکنون این سؤال پیش می آید که چه ارتباطی میان مسأله « قتل نفس » و « تصرّف باطل و ناحقّ در اموال مردم » وجود دارد ؟

پاسخ این سؤال روشن است و در حقیقت قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم اشاره به یک نکته مهمّ اجتماعی کرده است و آن این که اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحقّ تصرّف کنند ، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت ، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است .

(۱۱۴) راز خوشبختی

حوادث و انقلاب هایی که در جوامع مختلف دنیای معاصر روی داده ، شاهد

۱- « مجمع البیان » ، ذیل آیه و « نورالثقلین » جلد ۱ ، صفحه ۴۷۲ .

گویای این حقیقت می باشد و از آن جا که خداوند نسبت به بندگان خود ، مهربان است به آن ها هشدار می دهد و اعلام خطر می کند که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم ، اجتماع را به نابودی و سقوط بکشاند .

«وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ عُدْوانا وَ ظُلْما فَسَوْفَ نُصْلِیهِ نارا وَ کانَ ذلِکَ عَلَی اللّهِ یَسیرا: (1)و هرکس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است» .

« صَلْی » دراصل به معنی نزدیک شدن به آتش است، اما گرم شدن و برشته شدن و سوخته شدن به آتش را نیز « صلی » می گویند و در آیه فوق به معنی وارد شدن و سوختن در آتش است .

در آیه مورد بحث به مجازات کسانی که از قوانین الهی سرپیچی کنند اشاره کرده و

۱- ۳۰ / نساء .

می فرماید : « و هرکس ازاین فرمان سرپیچی کند و خود را آلوده خوردن اموال دیگران به ناحقّ سازد و یادست به انتحار و خودکشی زند ، نه تنها به آتش این جهان می سوزد ، بلکه در آتش قهر و غضب پروردگار نیز خواهد سوخت » (وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ عُدْوانا وَ ظُلْما فَسَوْفَ نُصْلیهِ نارا). و در پایان می فرماید: « این کار برای خدا آسان است » (وَ کانَ ذلِکَ عَلَی اللّهِ یَسیرا) (1).

غفلت از یاد حق درهای خوشبختی را می بندد

« وَ مَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِکْری فَاِنَّ لَهُ مَعیشَهً ضَنْکا وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیمَهِ اَعْمی :(2) و هرکس از یاد من روی گردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت و

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۳ ، ذیل آیه شریفه .

۲- ۱۲۴ / طه .

روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم » .

گـاه می شود درهـای زنـدگی به روی انسـان به کلی بسـته می شود و دست به هر کاری می زنـد با درهای بسـته رو به رو می گردد و گـاهی به عکس به هر جا روی می آورد خود را در برابر درهای گشوده می بینـد ، مقـدمات هر کار فراهم است و بن بست و گرهی در برابر او نیست ، از این حال تعبیر به وسـعت زندگی و از اولی به ضـیق یا تنگی معیشت تعبیر می شود، منظور از « مَعیشَةً ضَنْكً » که در آیات بالا آمد نیز همین است .

گـاهی تنگی معیشت به خاطر این نیست که درآمـد کمی دارد ، ای بسا پول و درآمـدش هنگفت است ، ولی بخل و حرص و آز زنـدگی را بر او تنگ می کنـد نه تنها میل نـدارد در خانه اش باز باشـد و دیگران از زندگی او اسـتفاده کنند ، بلکه گویی نمی خواهـد آن را به روی خـویش بگشایـد ، به فرموده علی « همچون فقیران زنـدگی می کنـد و هماننـد اغنیـاء و ثروتمنـدان حساب پس می دهد » .

راستی چرا انسان گرفتار این تنگناها می شود ، قرآن می گوید : عامل اصلیش

راز خوشبختی (۱۱۷)

اعراض از یاد حق است . یاد خدا مایه آرامش جان و تقوا و شـهامت است و فراموش کردن او مایه اضـطراب و ترس و نگرانی است .

یاد خدا مایه آرامش جان و تقوا و شهامت است و فراموش کردن او مایه اضطراب و ترس و نگرانی است .

هنگامی که انسان مسؤولیت هایش را به دنبال فراموش کردن یاد خـدا به فراموشـی بسـپارد ، غرق در شـهوات و حرص و طمع می گردد ، پیدا است ، که نصـیب او معیشت ضنک خواهد بود ، نه قناعتی که جان او را پر کند ، نه توجه به معنویت که به او غنای روحی دهد و نه اخلاقی که او را در برابر طغیان شهوات باز دارد .

اصولاً ـ تنگی زنـدگی بیشتر به خـاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است ، به خاطر عـدم اطمینان به آینـده و ترس از نابود شـدن امکانات موجود ، و وابسـتگی بیش از حد به جهان ماده است و آن کس که ایمان به خدا دارد و دل به ذات پاک او بسته ، از همه این نگرانی ها در امان است .

(۱۱۸) راز خوشبختی

ص:۱۱۸

البته تـا این جـا سـخن از فرد بـود ، هنگـامی که به جـامعه هـایی که از یـاد خـدا روی گردانـده انـد وارد شویم ، مسأله از این وحشـتناک تر خواهـد بود ، جوامعی که علیرغم پیشـرفت شـگفت انگیز صـنعت و علیرغم فراهم بودن همه وسایـل زنـدگی در اضـطراب و نگرانی شدیـد به سـر می برنـد ، در تنگنای عجیبی گرفتارنـد و خود را محبوس و زندانی می بینند. همه از هم می ترسـند ، هیچ کس به دیگری اعتماد نمی کند ، رابطه ها و پیوندها همه بر محور منافع شخصـی است ، بار تسلیحات سنگین به خاطر ترس از جنگ بیشترین امکانات اقتصادی آن ها را درکام خود فرو برده و پشتهایشان زیر این بار سنگین خم شده است .

زنـدان هـا مملو از جنایتکـاران است و در هر سـاعت و دقیقه طبق آمارهای رسـمیشان ، قتل ها و جنایت های هولناکی رخ می دهـد ، آلودگی به مواد مخـدر و فحشـاء آن هـا را برده و اسـیر ساخته است ، در محیط خانواده هاشان نه نور محبتی است و نه پیوند عاطفی نشاط بخشی ، آری این است زندگی سخت و معیشت ضنک آن ها .

رئیس جمهور اسبق آمریکا (کشورشیطان بزرگ) « نیکسون » در نخستین نطق ریاست جمهوریش به این واقعیت اعتراف کرد و گفت: « ما گرداگردخویش زندگانی های توخالی می بینیم ، در آرزوی ارضاء شدن هستیم ، ولی هرگز ارضاء نمی شویم » .

یکی دیگر از مردان معروف آن ها که نقش او در جامعه به اصطلاح شادی آفریدن برای همه بود ، می گوید : « من می بینم انسانیت در کوچه تاریکی می دود که در انتهای آن جز نگرانی مطلق نیست » .

در روایات اسلامی می خوانیم که از امام صادق پرسیدند منظور از آیه « مَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرى فَاِنَّ لَهُ مَعيشَةً ضَنْكا» چیست؟ فرمود: « اعراض از ولایت امیرمؤمنان علی است »(۱)آری آن کس که الگوی خود را از زندگی علی

۱- « نور الثقلین » ، جلد ۳ ، صفحه ۴۰۵ .

بگیرد همـان ابرمردی که تمام دنیا در نظرش از یک برگ درخت کم ارزش تر بود ، آن چنان به خـدا دل ببنـدد که جهان در نظرش کوچک گردد ، او هر کس باشد ، زندگی گشاده و وسـیعی خواهد داشت ، اما آن ها که این الگو را فراموش کنند در هر شرایط گرفتار معیشت ضنک هستند .

(۱۲۰) راز خوشبختی

در روایات متعددی اعراض از یاد حق در آیه فوق به « ترک حق » برای کسانی که قادرند تفسـیر شده و این به خاطر آن است که مراسم تکان دهنـده حـج ارتباط و پیونـد مجددی برای انسان باخدا می آفریند و همین ارتباط و پیوند راهگشای زندگی او است ، در حالی که عکس آن سبب دلبستگی هر چه بیشتر به مادیات است که سرچشمه معیشت ضنک می باشد .(۱)

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۱۳ ذیل آیه شریفه .

در غم و شادی باید بجای داد و فریاد « شکرگزار » خدا باشیم

«وَ اِذا اَنْعَمْنا عَلَی الْاِنْسانِ اَعْرَضَ وَنَابِجانِبِه وَاِذامَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعاءٍ عَریضٍ :(۱)و هرگاه نعمتی به انسان دهیم، روی می گرداند و با حال تکبراز حق دور می شود، ولی هرگاه مختصر ناراحتی به او رسد ، تقاضای فراوان و مستمر (برای برطرف شدن آن) دارد» .

در آیه مذکور حالتی را که برای انسان ها به هنگام اقبال و ادبار دنیای مادی رخ می دهد بازگومی کند که حالت فراموشکاری به هنگام نعمت و جزع و فزع به هنگام مصیبت است. می فرماید : « هر گاه به انسان نعمتی دهیم روی می گرداند و با تکبر از حق دور می شود » (وَ اِذا اَنْعَمْنا عَلَی الْاِنْسانِ اَعْرَضَ وَنَا بِجانِبِه) .

۱- ۵۱ / فصّلت .

« اما هر گاه مختصر ناراحتی به او برسد تقاضای فراوان و زیادی برای برطرف شدن آن دارد و دعای مستمر می کنند » (وَ اِذا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعاءٍ عَریضٍ) .

« نَاآ » از ماده « نَأْی » به معنی دور شدن می باشد و هنگامی که « جانِب » (پهلو) پشت سر آن قرار گیرد ، کنایه از تکبر و غرور است ، چون آدم های متکبر صورت خود را بر می گردانند و با بی اعتنایی دور می شوند .

« عَریض » به معنی پهن در مقابل طویل است و در لسان عرب این دو تعبیر در مورد کثرت و زیادی به کار می برد .

شبیه همین معنی در سوره یونس آمده است : « وَ اِذا مَسَّ الْاِنْسانَ الضُّرُّ دَعانا لِجَنْبِه اَوْ قاعِدا اَوْ قائِما فَلَمّا کَشَفْنا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ کَأَنْ لَمْ یَدْعُنا اِلی ضُرٍّ مَسَّهُ

راز خوشبختی (۱۲۳)

كَذلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفينَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ :(1)هنگامی که به انسان مختصر زیانی برسد ما را در همه حال می خواند ، در حالی که به پهلو خوابیده ، یا نشسته یا ایستاده است ، اما هنگامی که ناراحتی او را برطرف سازیم ، چنان می رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی نخوانده ، این گونه برای اسراف کاران اعمالشان زینت داده شده است » .

آری چنین است ، انسان فاقد ایمان و تقوا که دائما به این حالات گرفتار است ، به هنگام روی آوردن نعمت ها « حریص » و « مغرور » و « فراموش کار » و به هنگام پشت کردن نعمت ها « مأیوس » و نومید و « پر جزع » .

(۱۲۴) راز خوشبختی

ولی در مقابل ، مردان حق و پیروان راستین مکتب انبیا ، آن چنان پرظرفیت و پرمایه اند ، که نه روی آوردن نعمت ها آن ها را دگرگون می سازد و نه ادبار دنیا، ضعیف

۱- ۱۲ / یونس .

و نـاتوان و مـأیوس، آن هـا به مصـداق آیه شـریفه «رِجالٌ لا تُلْهیهِم تِجارَهٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ: (۱) سودمنـدترین تجارت ها و پرفایـده ترین درآمدها، آن ها را از یاد خدا غافل نمی سازد » ، فلسـفه تلخی ها و شـیرینی های زندگی را به خوبی می دانند ، آن ها می داننـد که گاه تلخی ها زنگ بیدار باش است و شـیرینی ها آزمایش و امتحان الهی . گاه تلخی ها مجازات غفلت ها است و نعمت هابرای برانگیختن حس شـکرگزاری بنـدگان. قابل توجه این که در آیات فوق تعبیر به « اَذَقْنا » و « مَسَّهُ » شـده ، که مفهومش این است بـا مختصـر روآوردن دنیـا یـا زوال نعمت ها ، وضع این افراد کم مایه دگرگون می شود و راه غرور ، یا نومیـدی و یـأس را پیش می گیرنـد ، آن هـا چنان کوتاه فکر و ضـعیفند که طبق ضـرب المثل معروف : « با غوره ای ترش می شونـد و بـا مویزی شـیرین » .آری یکی از مهم ترین آثـار ایمان به خـدا همان وسـعت روح و بلنـدی افق فکر و شـرح صـدر و آمادگی

۱- ۳۷ / نور .

مقابله با مشکلات و مصائب و مبارزه با هیجانات نامطلوب نعمت ها است .

راز خوشبختی (۱۲۵)

امیر مؤمنان علی ضمن دعاهایی که در آن سرمشق به یاران خود می دهد عرض می کند: «نَسْئَلُ اللّهَ سُبْحانَهُ اَنْ یَجْعَلَنا وَ اِیّاکُمْ مِمَّنْ لا تَبْطَرُهُ نِعْمَهٌ وَ لا تَقْصُرُ بِه عَنْ طاعَهِ رَبِّه غایَهٌ وَ لا تَحِلُّ بِه بَعْدَ الْمَوْتِ نَدامَهٌ وَ کِئابَهٌ : از خدا می خواهیم که ما و شما را از کسانی قرار دهد که هیچ نعمتی آن ها را مست و مغرور نمی سازد و هیچ هدفی آن ها را از طاعت پروردگار باز نمی دارد و پس از فرا رسیدن مرگ پشیمانی و اندوه دامانشان را نمی گیرد » (نهج البلاغه / ۱۶۴).(۱)

(۱۲۶) راز خوشبختی

ص:۱۲۶

۱- « تفسیر نمونه » ، جلد ۲۰ ، صفحه ۳۲۴ ذیل آیه شریفه ۵۰ / فصلت .

فهرست مطالب

(۱۲۷)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

ص:۱۲۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹